

کل حال نقشه مرکز قرار دادن بلده طیبه قم و اجتماع علماء اعلام و حصون اسلام در آنجا بهترین نقشه های منصوره و بحمدالله تعالی بشارت اتحاد کلمه عیوراه در حفظ دین و وطن اسلامی موجب چشم روشنی و قوت طهر اسلام و البته از تمام متدبیین بدین اسلام و بلکه سایر فرق هم که اولاد این آب و خاکند همین قسم مأمول ، ویدیی است امروزه حفظ استقلال که اهم تکالیف اسلامی است جز همین اتحاد کلمه غیر ممکن و نگاهداری این شرف عظیم بعیر از این وسیله محال است و هوالموید والمصلح حل جلاله ،

حالیه نجف اشرف هم تمام صیقات علما بدون استثناء بواسطه اصول همین اجبار موخته و چگونگی رفتار کثرت اجنبیه در مشرف مقدس رضوی علی مشرفه السلام و تبریز و غیرها و خاصه با اصحاب آن بوصول صورت معاهده مملکت فروشاه جدید در انقلاب است بطوری که نگذارند بمجلس درس و باز حاعت هم برویم و البته هر قسم تکلیف اقتضا کند اقدام و مسلمانان تمام بلاد ایران اعلان خواهیم نمود انشاءالله تعالی - عجله تکلیف دینی و وطنی قاطبه مسلمانان همین است که اتحاد کلمه خود را حفظ و تمام بلاد مأمور متفق و وسیله محاوره از سیم کبابی و قاصدهای مخصوص از هم ناخبر و متحد الکلمه و هم آواز عدم تحکیم از این معاهده مبثومه جدید که صورتش منتشر شده و ایستاده کی ببدل تمام هستی و ریختن آخرین قطره خون خود را در راه حفظ استقلال و وطن اسلامی تمام ملل و دول معطه عالم برساند و داد خواهی کند و سایر اقدامات عملیه را مهیا و منتظر اعلام تکلیف از جانب این خدام شریعت مطهره باشد انشاءالله تعالی والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

من الاحقر الجابی محمد کاطم العراسانی
من الاحقر عبدالله المازندرانی

از تبریز باصفهان

نمره ۱۰ رؤساء تلگرافخانه مبارکه این تلگراف را بحکم و اجمنهای ولایتی نقاط دیل مخبره نمایند امروز تلگرافی از صاحب مقدس حضرات آیات الله فی الامام حجج اسلام نجف اشرف مدظلهای بانجمن ایالتی رسیده محض اطلاع عموم هموطنان این است

عیناً مضمون آن را دوج مینمایم از قصر تبریز
بسم الله الرحمن الرحیم انجمن محترم ایالتی شیدانه
ارکانه - تلگراف محترم داتر بمجلس اعلی حضرت سلطان
احدشاه ادام الله تعالی سلطنة و قیام حضرت اشرف آقوی
عبدالملك دام اقباله بمقام منیع نیابت سلنت ایران
توسط انجمن سعادت رسید - الحمد لله بجمیع محامده
کلمها علی جمیع همه کلمها ، امید است که انشاءالله تعالی
کشتی حیات استقلال از طوفان بلا مستخلص بساحل
نجات آن عموم مجاهدین شیرتندان اسلام نواب جبراد
رکاب در مبارک امام زمان ارواحفداء را فائزید ، این
خدام شریعت هم برای مقدمات دفع تجاوزات احاب
از نجف اشرف حرکت عجله که این بشارت رسید
در کربلای معلای واقف و خبر مجدد را منتظریم

انشاءالله تعالی محمد کاطم العراسانی

عبدالله المازندرانی

انجمن ایالتی ۱۰ رحب

تلگراف جناب قی زاده از تبریز باصفهان

(عمده شهر رحب ۱۳۲۷)

حضور دوست عزیزم حضرت اجل عالی آقوی
مستند حاقان دام اقباله بعد از عرض ارادت قدیمی
و تحیات صمیمی تبریکات خالصه قلبی خود را حضور
آن دوست عزیز عبرتند حال فشان تقدیم میکنم -
خداوند شما را باقصی آمل خودتان گامیاب نماید -
قریبات شوم این را یقین داشته باشید که تا ابد قدر
زحمات شما از خاطر این ملت نخواهد رفت و من
تا آن دارم خواهم گشت که منشاء ریشه کس
انقلاب و برکت مرکز ایران و اصهران شخص
حضرت عالی همتید و هیچ فراموش نکرده ام آن
روز هارا که در پاریس شب و روز استراحت را
بر خود حرام کرده پهلوی مرتضی خان و سردار
اسعد و سالار حشمت را بر میگرددید و متصل
بته پاره میگرددید ، ایران حق شناسی از شما خواهد
کرد به مرتضی خان و سالار حشمت راساً عرض
تبریک کردم ، حضرت عالی هم قبول زحمت فرموده
عرض تبریک و ارادات مخلصانه مرا حضور حضرت
اجل آقای مصمم السلطنة بختیار ترین اولاد ایران
برسانید ، در باب اردوی پنجم بنده ابداً عقیده
بتفریق آن ندارم سهل است اردوی ششم هم باید
جمع آوری شود ، عمده کار و اهم مطالب این

را قوه عسکره نظم داد ، موقع خیل باریک و این است که باید ایران دقیق است و کار بیچوجه تمام نشده در خصوص حرکت حضرت عالی بطهران عرض میکنم در صورتیکه نظم را بهم بزند باید خودتان طالب نباشید که روح نظم و ترتیب از آنطرفها نقل مکان نماید و در نظم شیراز و صنعتها جنوبی هم اهتمام تمام حضرت عالی لازمست (فقوزاده)

نقل از روزنامه شریفه خراسان

(راپرت سیستان)

در این اوقات توجه و نظر پلنگی انگلیسها بطرف (پیرجند و نه بندان) مطوف است ، و از دلایلی که بنظر میرسد و از مواضع موثقه شنیده شده است خیال دارند قونسواخانه بزرگی در پیرجند احداث و در سالی هفت ماه در پیرجند و بجهت در سیستان متوقف باشند ، و پس از درست شدن راه (پلنگ کوه) یک ویس قونسولگری هم در (نه بندان) منقذ خواهند کرد ، بانگ روس و انگلیس هم خیالشان این است که سرکز را پیرجند و سیستان را شعبه آن قرار بدهند

(جشن و شادمانی ملی)

از روز ۲۸ ج ۲ که اخبار قنوجات ملیه طهران به مشهد رسیده طوری سرتاسر این شهر مملو از نهجت و سرور گردیده که گوئی تمام ذرات وجود اهالی از وجد سرشار تخمیر یافته جمیع درو دیوار شهر یکپارچه شادمانی ملی را مجسم ساخته بود ، هنوز اعلان چراغانی از طهران و از انجمن محترم ایالتی ابلاغ نشده طوری تمام نقاط شهر را آیین بستند و بقسی جمیع خیابانها و کوچه ها و بازار هارا تزین دادند که احدی نظیر آنرا نه تنها در خراسان بلکه در هیچیک از نقاط ایران سراغ ندارد مگر جشن سال دوم مشروطیت که در طهران تشکیل یافته بود ، پس از آنکه شب متوالی چراغانی عمومی برپا بود تلگراف رسمی از طهران برای جشن جلوس اعلیحضرت (سلطان احمد شاه) خلدالله ملکه به انجمن ایالتی و اصل و به اهالی اعلان شد بعد از وصول این خبر بالمضاعف برونق و شکوه و جلوه جشن و چراغانی افزودند و الحق عموم طبقات اهالی در ابراز احساسات ملیه در اجتماع داد حجت نمودند ، بالاخر از همه شرکاء از سر شب تا صبح

بر از صدای شلیک بجا و از صبح تا شام مملو از قیل و قال شرارت خیز بود از روز ۲۸ ج ۲ چنان قلب ماهیت شد که گوئی تمام آحاد و افراد اهالی این شهر با یکدیگر یک محبت صمیمی و یک رابطه مودت خلل ناپذیر و یک اخوت واقعی و خصوصیت تام و تمام داشته اند ، گویا در تمام شهر یکقدر که بقدر ذره افسردگی خاطر یا ازجار قلب نسبت ناحدی داشته باشد پیدا نمیشد ، در آتشبازی و چراغان میدان ارك و در سایر مجامع بزرگ که چندین هزار نفر مجتمع بودند در ظرف این شها هیچگونه صدا از احدی بلند نمیشد مگر آهنگ دلتواز ترانه های ملی و سرودهای وطنی و تبریکات محبت آمیز همدیگر و صدای (هورا) و زنده باد (حجج اسلام آیات الله) زنده باد (سلطان احمد شاه) زنده باد (سرداران بیور ملی ایران) پاینده باد (مشروطیت ایران) برقرار باد (اخوت و اتحاد) مستدام باد (عدالت و مساوات) جاوید باد (علم و اتفاق) نیست باد (جهل و نفاق)

آری اینست معنی نجات ایرانی ، اینست نتیجه اتحاد ملی که در ظرف این ۱۲ شب که جشن چراغانی عمومی و خصوصی امتداد داشته بدون هیچگونه قوه قاهره مستحفظ تا این اندازه حدود نظم و امنیت عمومی محفوظ ماند ، ولی در متمدن ترین بلاد اروپا با مواظبت قراول و پلیس و قوای نظامی که در هر چند قدمی گماشته اند یا دعوی علم و تربیت (سیویلیزاسیون) چه حوادث مؤسسه که در اجتماعات رخ میدهد ، حالا دیگر برای احدی جای تردید باقی نمانده که منشاء اختلال و منبع آشوب کل نقاط ایران که بوده و اینهمه خار خار هرج و مرج از کجا آب میخورده است و دشمنان آزادی ایران که اینهمه تائیدات سری و علنی به مرکز استبداد و این همه تهدید و جلوگیری از قوه ملیه مینمودند مقصودشان چه بوده است

بی ! دشمنان عالم انسانیت که خود را طرفدار صلح و مسالمت و هوا خواه آرامی و امنیت بقلم میدهند میخواستند نقطه استبداد را برای امتداد هرج و مرج و دوام انقلاب و بالاخره برای گل آلود کردن سرچشمه نگهداری کنند و امنیت خواهان ختینی را باسم (شورشیان) و (اشراک) و (مخالفین دولت)

همه جا و امثال اینها معرفی نمایند - چرا؟ چه عرض کنم!

تلگراف از طهران (عصره رجب ۱۳۲۷)

خدمت عموم ولات ذوالعز والاحترام و احکام با احتشام ولایات ممالک محروسه دام اقبالهم زحمت میدهد - کتابچه قانون انتخابات مبعوثین مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه در پست قبل از وزارت داخله تمام حکام فرستاده شده البته تا بحال رسیده و از مدلول فصول آن مطلع شده اند، و چون ملاحظه تغییر وضع و رفع بعضی محذورات بواسطه جلوس مینت مانوس بندگان اعلیحضرت قویشوکت اقدس همایون سلطان احمد شاه ارواحنا فداء تسجیل در انتخاب مبعوثین لازم است این است در کمال تاکید اخطار میشود که باید بوصول این تلگراف مجامعت و مراقبت تامه در انتخاب و تعیین وکلاء و مبعوثین بعمل آورده حکام هرولایت وکلای آن محل را مطابق مقررات و فصول نظام نامه معین کرده عاجلا بسمت دارالخلافه حرکت بدهند و تاخیر و تاامل را در این باب هیچوجه حایز ندانند (وزیرداخله)

حزب جنبش کرمانیان و تعطیل انجمن ایالتی
چون در مدت مدیدی که محمد علی میرزا شاه سابق مجلس شورای ملی را هم پیچیده حکام و عمال دست بهم داده مالیات دو ساله را وصول و به بهانه مشروطه خواهی هرکس نقدی داشت ربودند و اگر جانی (چرا) گفتند حکم باعدام آنها داده حاصه مملکت کرمان که مردم آن از مرکز بلکه از تمدن دور و همس بس که این یکساله یک نفر تلگرافی دوسه ماه نایبالحکومه موقتی آنها بود، آنچه مشهور است قریب بیست هزار تومان چه از اخذ و عمل شهر چه از تعارفات و تکانات ضباط و غارت بلوکات دخل برده و یک اخبار تلگرافی را در این یکساله نگذاشته بکرمان برسد، زیرا که وقتی روزنامه عروه الوثقا از اصفهان بکرمان رسیده و فتاوی حجج اسلام مصحوب زوار عتبات و بعضی مسافرین شایع شده و مردم فهمیدند چه خبر است، لذا میاهوئی کرده ضباط از ترس ایلات و بلوچ بشر آمده متدرجا اوضاع یکساله و تلگرافات و اقدامات علمای اعلام و اهالی آذربایجان و علمای اصفهان

و ایلات بختیاری و اقدامات سردار اعنی سپهسالار اعظم شایع شده بلی یک تلگرافی که بر وزیر مامول بی نمره از خراسان از انجمن ایالتی بنوان انجمن ایالتی کرمان رسیده که مطالب آن مریح فتنه بزرگ بود از تخریب حرم محترم و غیره او را هم قبل از دادن بانجمن تازه متولد کرمان انتشار داده و در جزو محرک بعضی بی ناموسان و حشرات الارض شدند که بر تبعه خارجه حمله نمایند و بهانه دست خارجه دهند بحمدالله مؤثر شد، بی احتیاطی به بعضی مستخدمین خارجه نموده، آنان بواسطه نجابت فطری و حب وطنی سکوت کرده مطلقا اظهار نداشته چون نظام السلطه قبل از تغییر سلطنت نامزد بحکومت کرمان شده مجدد رئیس تلگرافخانه اطهار دولتخواهی نموده نایبالحکومه شد وخواست مجدد بد و بیضانی نماید داد و فریاد مردم بلند شد شکایت بطهران کردند مشارالیه را که نام او بشیر خاقان است با عدل السلطه سردار نصرت رئیس قشون با هم توام نایبالحکومه نموده اخبارات انقلابات کایه طهران شیوع یافت باب تشکی از رئیس تلگراف یعنی مجسمه استبداد متوج داشته آزادی تلگرافخانه و عدم دخالت بشیرخاقان را حدآخواسته بلکه گروهی حاضر شدند که او را بمعرض استطاقی در آورده حقوق منصوبه را استرداد نمایند بعضی علما طابع آمده که چون مردم کرمان هیچ حرکتی در انجمن نکرده بی خبر و مرده محض بوده بهتر این است سکوت اختیار نمایند البته اشخاصی که از خان نصرت او متمم شده احمای و آکرامی یافته اجرای احکام زور آنان را نموده حاضر بهرامی شدند، تلگرافات بر استرضای خطر او داده چون رشته تلگراف بدست او میباشد آنها را حدالاسلام و نایبالامام جلوه داده از طهران در جواب انجمن ایالتی که مخلص و طرد او را خسته بودند از سپهسالار اعظم انجور جواب رسیده که نظام السلطه حاکم مکرمان می آید رسیدگی خواهد کرد زیرا که عفو عمومی شده بعد از استقرار مشروطیت هرکس خطائی نماید جزا یابد

انجمن سکه دو ماه است جناب حجة الاسلام حاجی میرزا محمد رضا سلمه الله نهایت جد و جهد فرموده تا حاجی علما و مجتهدین را بکمال تعاقبات

مهیچ انتخاب نموده از این جواب که توهمین وعدم اطمینان بانجمن است قاطبه خیال استعفا و توقیف انجمن را نموده عقلا مانع شده که انجمن مقتضی نیست، لکن این اخبار بر جرئت بلکه عداوت بشیرخان افزوده در خفیه و آشکار در مقام خراب انجمن ایالتی بر آمده و حال آنکه تفصیل انجمن این است که توضیح می نمایم

جناب حجة الاسلام حاجی میرزا محمد رضا سلمه الله در ابتدای مشروطه ایران که بواسطه جنگ های داخلی صدمات دیده حالت انزوا و کناره گیری اختیار نموده خاصه که اشتهاات شیاطین انس بر بدی مجلس عدل یعنی شورای ملی اشتها یافته بود این کناره گیری را مردم بهاء قرار داده و ایشان را مستبد و دشمن عدل و دولت مشروطه اشتها داده، لذا وقتی فتاوی حجج اسلام عتبات خاصه اساتید بزرگوار ایشان حضرات آیات الله رئیس الملة کرمان رسیده فوراً دامن همت بالا زده احکام آن بزرگواران را به تمام بلوکات انتشار داده در شهر نیز عموم علما را بلا استثنا دعوت بانفاس فرموده، بعد از آنکه عقلا نیز علما را بانفاق طایل دیده یکروز در مدرسه محمودیه عموم علما و اعیان و نجار و روسای کسبه و سردار نصرت و خوانین کرمان جمع شده شش نفر ناظر معین کردند که بموجب نظام نامه ترفه داده وکیل معین نمایند. سه هفته همه روزه نظار جمع شده با نمایندة حکومت سردار نصرت نایب الحکومه و رئیس قشون ترفه داده روز جمعه که روز انتخاب بود در مسجد جامع مصفریه دو روز با حضور نمایندة مزبور نظار آراء مردم را گرفته شروع به تعین آنها نموده ۱۲ نفر وکیل انتخاب شده چون مردم درسنه ماضیه انتخابات را دیده بودند که باسباب و اغراض حمی انتخاب شده درخط ریاست و حکومت سیر میکردند حکومت را معزول کرده بودند، وکلاء ببارك دولتی رفته حکم بزدن توپ بصد وکلا و نواختن موزیک و زدن نقاره خانه نموده قزاق که موجود بوده با معدودی سربازهای گرسنه دفته کرده از جلو نظار عبور نموده که شرح آن جایز نیست

بهر حال این دفعه اغلب علما را انتخاب نموده که آورده باشد بموجب تفصیل جناب حجة الاسلام

آقای حاجی میرزا محمد رضا مجتهد سلمه الله - جناب آقا میرزا محمود مجتهد سلمه الله - جناب آقا شیخ محمد تقی مجتهد سلمه الله - جناب مؤید الاسلام - جناب آقا ملا فرج الله از طلاب - حاجی وکیل الدوله از قاهره - یکنفر مستوفی آقا میرزا ابوالحسن بشرط استعفا از خدمت - سه نفر از محترمین تجار - یکنفر فتح علی خان کلانتر و ایل یکی انشار که دعوت نامه او را فرستاده اند و هنوز جواب در قبول و رد آن نرسیده که دیگری از متخنین را که بعد از آن اکثریت دارد عوض انتخاب نمایند بهر حال هر يك از این وکلاء که اراده کردند استعفا نمایند جناب حجة الاسلام آقای حاجی میرزا محمد رضا مانع شدند که بعد از دو سال مملکت کرمان و خلق آن مرده متحرک ابداً حرکتی در اجرای اوامر مطاعه حجج اسلام نه نموده تمام استبداد طلب و معتاد بظلم کردن و ظلم کشیدن شده، هنوز يك مطبعه يك روزنامه ندارند و متصل در حزبیات سرگندم وقف یا اخذ مستمری و وظیفه نزاع دارند، عوام آن که جز نقش نان دیگر چیزی مد بصر ندارند، علما دعا گوی دولت قاهره، ایلات اغلب دزد یا جاسوس سارقین فارس، تبریزی ها تمام خان و مال خود را بجهة حفظ استقلال وطن و حریت و مجلس عدل که عبارت از شورای ملی باشد نثار کرده، رشت مازندران قزوین متصل در فریاد و فغان، اصفهان نام خود را در گره ارض بلند کرده افتخار ابدی یافته، یزد و کرمان در جرکه اموات خاصه کرمان که اغنیا تلگراف عود استبداد را نموده، عوام چه حرام یا حلال جز نان و گوشت باین مطالب کاری ندارند، هر کس نان و ارزاق را ارزان کرده پرستش می نمایند حق هم دارند، در مدت هفتاد سال نه جانی را دیده نه تحصیل کرده از شدت فشار ظلم بهمین قانع است که آزاد است،

عالی که واقف بواقف عصر باشد نیست، واعظی که از حالت وطن و دین اسلام و مخاطرات خوب و شال واقف باشد ترقیبات تمام اهل عام را حق زنگیهای افریقا و ترکن های دشت قبیجانی را دیده باشد نداریم، تاریخ نمیخواند اخبار نمی فهمند تمام کالات آنها یعنی عوام الناس قصه حسین کرد شبسری و خدا پردی لر یا عرفان پوسیده جزیره واق واق که چهار ساعت بچاره عالی و از کار باز داشته

تحقیقات عمری که هرگز نخواهد فهمید با آن غزوات و لڑات مسلسل بیان مینمایند ، ای بیچارگان غافل از اوضاع عالم ، سبیل دُچار رسید ، دین ایمان وطن شرف تمام استقلال ملی و حریت شما در خطر است . اگر غیرت ملی چهارض حرکت نکرده بود حلقه عبودیت اغبار همین دو روزه بگردن نازنین ما و شما می افتاد ، علاج این دردهای پیدرمان را طیب‌های حقه و رؤسای اسلام که جنم حق بین دارند به اتفاق ملت - علم - صنعت - زراعت - تجارت - سد طرق علم دایسته و راه را محصر بجمع و مجلس شوروی ار علما و سیاسی دان ها ، بعد از اینهمه تغییرات مثل خناش تاره بای تدبیرات حثك نهاده اسباب بهم زدن انجمن را فراهم می آورند . با دو ذرع عصا و یکدفع ریش در مجلس میگویند این حرفها با دیات اسلامی منافات دارد ، بخدا اگر خوف آن نه بود که تصور نمایند بویسنده اغراض شخصی دارد نام و نشان دنیا پرستان را انشار میدادم ، بالاخره جناب حاجی میرزا محمد رضا سلمه الله باصرار و کلاراضی و انجمن را بدون چراغان و طبل و علم دایر نمودند - الحق انجمن محترمی از نخبه اهالی کرمان منعقد شد چون شهر بی حاکم و انجمن بی قوه مجریه منس نمری نبوده سردار رئیس قشون و نایب الایاله موقتی حاضر شده انتظامات شهر و امنیت را اتعهد نموده قسم بر همراهی و خیرخواهی دولت و ملت خورده پس از اطمینان انجمن بیز تصویب نموده حکه قوه مجریه آنچه خیر و صلاح دولت و ملت باشد تهیه نماید و بجهت مخارج و مواجب از مالیات املاک حاله داده شود ، از طهران بیز حفظ امنیت را از ایشان و سایر سرکردگان نظامی حاسته و الجمله اسباب بسم و امنیت فراهم آمد ، لاکن جماعتی بملاحظات دور و دراز بهرایی و همدستی رئیس تلگراف در صدد خرابی انجمن برآمده ، اولاً تلگرافاتی کردند که این انجمن برخلاف نظام نامه بدون تعیین نظار بوده - ثانیاً جمعی بجهت گرفتن گندم خالصه جات تشکی کردند ، ثالثاً بعضی را بجهت مطالبه ارزانی که باید قوه قهریه ارزاق ارزان شود بر انگیزخته بنای شورش و زدن و بستن اصناف را گذاشته ، دیگری هوس غارت زردشتیان را نموده ، عده بی نظمیته مأمور بر ذرفه اشرا شده اشرا بر آنها حمله کرده شش

لول زده تنگ آنها را گرفته در این گیرودار و جنگ و گریز یکتر شب شب خراب قیر بازار را تیری بخطا خورده هلاک شد ، بهانه خوبی دست اشرا آورده دو روز دکا کین را بستن امر به بستن نمودند ، بالاخره نتیجه تلگرافات این شده که رئیس انجمن حضرت حجج الاسلام از وزارت جلیله داخله تلگرافی رسید ، که چون جمعی علمای کرمان بلکه عموم علما تلگراف کردند که انتخابات از روی صحت نشده و ناظر معین نبوده انجمن توقیف باشد تا مثبت الدوله وارد و قاعده رسیدگی و انتخاب نماید ،

اعضای انجمن میگویند - که بموجب نظام نامه انتخابات تشکلات از انتخابات را در ظرف یکمته باید در خود انجمن اطهار دارند ، تعجب است که در این یکماه اطهار نداشتند ، وچنان تصور میکنند که این حکم که برخلاف مواد نظام نامه میباشد همان پیشرفت اول انجمن در عزل شیرخان نتیجه بخشید محتاج شرح و بسط نیست - و یقین است حضرت اشرف وزیر داخله که مجسمه وطن پرستی و مجدد مشروطیت ایران است هرگز راضی باین امور نخواهند شد و تحقیقات صحیحه در حقیقت امر خواهند فرمود -

حبل المتین

زحمت حضرت حجج الاسلام حاجی میرزا محمد رضا مجتهد در ترویج احکام حضرات آیات الله و احدی پوشیده نیست و کمال تشکر را ازین وجود مبارک اطهار مینائیم ، ولی عقبه مان این است که چون حضرت اشرف وزیر داخله را در نظم بلاد و امنیت طرق و تیره و طائف مهله در پیش است بهترین اراز مشروعه خواهی و کلای انجمن ایالتی و ولایتی بدان بدون چون و چرا تعمیر فرمایشات ایشان است و ما یقین داریم که حضرت اشرف وزیر داخله خدمات خدام حقیقی وطن اسلامی را فراموش فرموده خادم را از خائن تشخیص خواهند داد ، وطن خواهان و خدام شریعت امروزه باید تعمیل فرمایشات ایشان را در پیشرفت مقاصد وطن اسلامی خود فرض ذمه قرار داده و منتظر باشند که همین زودی کارها بروفق صحت انجام خواهد پذیرفت و ما بنا بر اطلاعات کافی که داریم اطمینان میدهم که صریحاً مقاصد خیر خواهان وطن اسلامی شان انجام خواهد پذیرفت

قصیده ایست که در ساعت وصول

(تفراف فتح طهران مجلاً ملك الشعراء)

(آستانه اقدس انشاد و در انجمن ایالتی)

(خرامان قرائت کردید)

مزده که آمد برون خاطر ما زانتظار

مزده ققح التتوح داد با کردگار

حق در رحمت گشود بر دل امیدوار

ققح با شمد قرین بخت با گشت یار

(ناصر ملت نمود قحی بس نامدار)

(هذا ققح قریب هذا نصر مبین)

ماز با یار گشت بصرت وادار ما

عاقبتی بیک داد کوشش بسیار ما

رارشد آنکس که بود در پی آزار ما

عرصة کعبان گرفت قر سپدار ما

(دین را پاینده کرد همت سردار ما)

(عبرت آست آن همت این است این)

همت ستار اگر عرصة دنیا گرفت

فدر سپدار نیز اوج نریا گرفت

کار مساویان یکسره بالا گرفت

مجلس رفته زدست باردگر با گرفت

(نائبة روزگار دامن اعدا گرفت)

(فهذه النایبات حق للمشرکین)

هوج سلائیك اگر بجزنگ آهنگ کرد

کار بناگاه ساخت جنگ بفرهنگ کرد

ایك ما خصم ما حبه و نیزنگ کرد

حودرا از دیرگاه ساخته جنگ کرد

(نیز دو خصم قوی عرصة باسنگ کرد)

(کردند از هر طرف بقصد ملت کمن)

آن يك وحشی صفت حاب تبریز شد

بکینه و اعتساف مظهر جنگیز شد

آن يك اندر جنوب مشاهه انگیز شد

آتش بیدادشان ز هر طرف نیز شد

(غرب و جنوب و شمال جهه بلاحیز شد)

(بر مرکز ملك نیز شور و فن شد قرین)

بیزد قوت فزود ملت آزاد را

وانگه تائید کرد سپید راد را

تا کند از پیغ و بن رشته بیداد را

(قافیه از دست رفت حیث سببباده وا)

(ایان شد سر بلند فبشر المؤمنین)

خان دین خورشید زین پورش مردوار

حوصه دربار را محنت و غم شد دوجار

قهر خدائی کشید یکسره زایشان دمار

ملت آزاد کرد جنبش خویش آشکار

(حامی ملت رسید با سه بختیار)

(حشمتش اندر یار شوکتش اندر مین)

کوشش بدخواه ما یکسره شد با اثر

خلع شد و طرد شد دشمن بیدادگر

بخت شاهی نشست پادشه نو نمر

(سلطان احمد) که همت زینت تاج و کر

(باشد تا این یسر نه بر طریق پدر)

(زینت بختد بملك آئین بختد بپین)

تا که جهان است کار بکام احرار باد

شاه جوانبخت را فضل خدا یار باد

دانش دانشوران پیشرو کار باد

مجلس مشروطه را خدا نکهدار باد

(تا به ابد کردگار یار (سپدار) باد)

(بحرمة المصطلق و آله الطیبین)

خادم ملت ملك الشعراء (بهار)

ترجمه اخبارات واجبه بایران

(بایر) مینویسد - دولت جدید ایران در اصلاح

امور با منتهای عقلمندی حرکت و قابلیت خداداد

خویش را در جمیع مواد سلطنتی طاهر داشته و نیکو

حزه رسی در امور مینماید - و در امنیت ملاد و

طرق نیز دقیق تام دارد .. ولی چون بعضی اقدامات

است که در نیاب مجلس نمیتوان قرار و مدار

درستی برای آن داد خیلی سرگرم فراهم نمودن

وکلاء و انعقاد مجلس هستند و عقرب صورت وقوع

خواهد پذیرفت ، و بر حسب رپورتی که از غالب

صوبجات رسیده انجمن های ولایتی و ایالتی در انتخاب

وکلاء کوشانند و این وظیفه را با نهایت خوش

اسلوب انجام میدهند و برخلاف نظامنامه هیچ

اقدامی نمیشود که مورت شکایت در آید بشود

اگرچه در برخی مقامات بعضی اقدامات ناتمام مانده

آن نیز بزودی انجام خواهد پذیرفت - آنچه معلوم

شد و گویا در پارلمان ایران اول بحثی که بشود در ترتیب و انتظام امنیت داخلی و بودجه خواهد بود آنچه از قرائن ظاهر میگردد اهالی ایران عموماً از وضع سلطنت جدید خوشوقت و قاطع آسایش و آرامی خویش را طالبند و عنقریب که حکام جدید بهر جا برسند امنیت کامل برقرار خواهد گردید سهام الدوله بایالت فارس منتخب گردیده و فعلاً در راه است

مجد الملك برادر مرحوم امین الدوله بحکومت مازندران تعیین شده است ، و رفته رفته راه های کاروان رو در تمام صوبجات امن و بازمی شود و تا ابتدای زمستان تمام طرق کاملاً محفوظ خواهد شد بموجب خبریکه از طهران رسیده کابینه وزراء مشغول تدارک و ترتیب بودجه مستعد برای سال آینده - و این بودجه عنقریب که مجلس منعقدشود بوکلاء پیش خواهد شد و بسیاری از مصارف فضول را میخوانند ترك نمایند و ایضاً مسئله موضوع بحث است عاقبت ظل السلطان رضا داد که صد هزار لیرا بقایای خود را به بردارد و حکم یافته است که در (رودباد) پس رشت و طهران توقف نماید

جلوگیری از اقدامات دزدان آذربایجانی چنان ظاهر میدارد که عنقریب رفع اعتشاش از آن طرف خواهد شد و چنان میندازند که تا پادشاه مغلوع در طهران توقف داشته باشد رفع کلیه اعتشاشات از ایران نخواهد شد و بمجردیکه قدم از خاک ایران بیرون نهاد امنیت در تمام خاک ایران حاکم فرما خواهد گردید

گویا دسته قشونیکه از بوشهر بازم محاط قوسلخانه انگلیس شیراز رفته چندی دیگر توقف خواهد داشت

مستمرلی رئیس بانک شاهنشاهی که بجناب شهاب سر میمود نزدیک (سبوند) او را لعنت کرده اند قوامیها از انتظام این عرب عاجزند - چنانچه بنازکی بر مقام (سبوند) اراده حمله داشته و از اقدام قونسل انگلیس باز مانده اند

محافظین قوسلخانه همینکه حکام معین شدند و خود را قابل نگاهداری امنیت ظاهر داشتند حرکت خواهند نمود

•••••

سول داتری گزت مینویسد که اوضاع کنونی ایران بر صلح و امنیت دلالت میکند . سهام الدوله بحکومت فارس منتخب گردید . انتخاب او را اهالی فارس باتفاق قبول کرده اند - اگرچه از حالات حکام جدید اطلاعی حاصل نیست ولی رضایت مردم را هینقدر کافی است که بازارها را گشوده اند

•••••

دیلی نیوز لندن مینویسد انتشار خبریکه قشون روس چند میل از قزوین بجناب طهران رهسپار شده هیجان عظیمی در اهالی پیدا نموده روسیدان میگویند که چون اردوگاه کنیف شده بود ازین رو تبدیل مقام نموده اند ولی اگر چنین بودی عقب رفتن آنها که بسرحد خود نزدیک تر شدی اولی تر بود

این خبر با خبرهاشکه از قزوین در سلوک افراد قشون روس رسیده خیلی مریح و نازیباست رپورت داده اند که بین اهالی قزوین و سربازان روس مناقشه جاری روسها بر بامها رفته بخانه های مردم نگاه و حرکاتی که مورت هیجان اهالی شود مرتکب میگردند ، چنانچه اغلب با منتهای بی احتیازی وارد مساجد و معابد می شود که اگر روسیان دست از وحشی گری بردارند خطرات عظیم پیش خواهد آمد

ادارات رسمی از بیرون ترس قشون روس تعجب نموده اند چه در اطراف و اکناف ایران سوای چند مقام مخصوص امنیت کامل حکم فرسته و این جای شبهه نیست که قیام قشون خارجه در ایران عایق بزرگی در پیشرفت دولت جدید گردیده و نمیگذارد کارها بر مجرای صحیح بگرددش آید و تا وقتی حکومت تازه قشون خارجه را از ایران خارج نه نماید حسن انتظام خود را نمیتواند در قلوب اهالی جای دهد ، دولتین روس و انگلیس که در معاملات ایران پیش از سایرین حصه گرفته باید بحکومت تازه را تئویت نمایند و نگذارند باین جهات خلی در امور وی وارد آید

(ایضاً در مقاله مخصوص خود می نویسد)

امروز دوعلت بزرگ ما را مانع از اتحاد حقیقی با روس است

اول اطلاعات است که از حالات اشخاصی که آنها

را ما می‌پسندیم حاصل گردیده و آن مبنی بر این است که آن اشخاص با آن همه زحمات جان فرسا آن حریت ناکاملی را که امروزه روس دارا شده حاصل نموده اند مع ذلک در خود روسیه آنها خارج از حوضه پلتیک یا در بلاد خارجه آواره و سرگردان و یا در حبس خانه های سخت روس گرفتار اند ، ما هرگز وضع ناگوار حبسخانه های روس را نمیتوانیم فراموش نمود ، این نیز قابل فراموشی نیست که آزادی پندان در قوای روسیه مجرم معرفی می شوند

دوم ایست که برای ما حاصل گردیده که حکومت روسیه هیچگاه بهرود و مواعید خویش ایا نموده است مثلاً حریت (فنلند) را قبول کرده و بر آن قسم یاد نمود ولی هنوز هم طبع حریت آنهاست ، ر اگر درین موقع واقعه ناگوار و حادثه ناپسندیده رخ دهد بدون شبهه بر این ايقان ما خواهد افزود و بلاشک اگر چه آنچه تبدیل پارلمان را به (دوما) که در سال هزار و نهد و هفت داد حریت (فنلند) را هم پایمال سازد مسلماً هیچ وجه اعتماد باقوال و افعال چنین حکومت باقی نخواهد ماند

ما درین جا از حامیان اتحاد روس پرسش می نمایم که آیا با چنین دولت عهد شکنی چنان میتوان عقد اتحاد بست ؟ درین مقام خالی از مناسبت نیست اگر ذکر می هم از ایران بشود . امور ملکی ایران درین دو ماه آخر پیش آمده خوشی نمودار نموده و فعلاً نمیتوان بیان کرد که چه گونه در خلع محمد علی روسیان سکوت را حکمت عملی خود قرار دادند ولی آنچه مبرهن میباشد استقلال ایران هنوز نیز کاک و مکمل است ، چه تاکنون شش هزار قشون روس در ایران نمودنهای مشغول و امروز احدی نمیتواند دعوی آن کند که مال و جان خارجه در معرض تلف است و حال اینکه به ثبوت پیوست که هیچ وقت مال و جان خارجه در ایران بهر ضحک خطر نبوده است ، ولی بر فرضیم که تسلیم مدعیان را نموده بگوئیم که مال و جان خارجه سابق در معرض تلف بوده اینک که راتی

مع ذلک دیده می شود که تاکنون لشکر روس در قزوین و تبریز موجود است ما هرگز نمیخواهیم که خود را بکم حوصلگی مرفی نمایم ولی سبب تغییر ظاهری ملک روس را باید فهمید و اوهم نمیتواند انکار کند که ملک خویش را تبدیل داده است و اگر هفته ها و ماه ها بگذرد و لشکر روس ایران را ترك نکند باید دانست که استقلال ایران قطع محض نام است و تا وقتی روس لشکر خود را خارج نه نماید نمیتوان تسلیم نمود که روس با ما در معاملات ایران بدرستی راه رفته است

حل المتین

ایرانیها باید بدانند که تا وقتی که يك سرباز اخی در حاک آنهاست آزادی ندارند و استقلالشان را خطر عظیم است و هر آن میتوانند هزار گوه گریه پلتیکی برای آنها برقصاند و بهخنان دیپلماتی هیچ دولت خصوصاً روس اعتماد نه باید نمود اندکی در سواح تاریخی و عهد شکنی های روس باریک شده و بدانند که روس همان روس است و مسلک او ابدا تغییر نیافته ، ایرانیان باید خواب و خور را بر خود حرام کرده در اخراج قشون دول همسایه ار پای به نشینند ، کابینه جدید و مجلس مقدس راست که اخراج قشون همسایگان را مقدم بر حیم و طائف خود دارند ، و در حقیقت بقول روزنامه دلی نیوز تا قشون خارجه در ایران باشد اعتماد و اطمینان ملت بدولت جدید حاصل نتواند گردید و انجمنهای ملی از خارجه و داخله آرام نیاید به شینند ، حضرات آیات الله سکوت نباید فرمایند ، ابدا اعتماد به سخنان پلتیکی هیچ دوام نیاید به نمایند ، خصوص روس که تپای زور در میان نماید راه راست بهرود و هر ساعت که زودتر ممکن شود باید قشون همسایگان را بیرون کرد چه معلوم نسب فردا چه رنکی روی کار آید و پلتیک همسایگان چه اقتضایند ، روسها قشون خود را بدون ضرورت در ایران گذارده عقب برپاه میگردند و انگلیسها هم بچند هزار سرباز هندی که بشیراز فرستاده روس را قوت میدهند ، خیالات این دو همسایه نیز از مشاهده شان بیداست ، و در حقیقت عقب برپاه

ایرانیان از جان فشانی باز آیند چه اگر همسایگان دانستند که ملت ایران برای جانفشانی حاضر نیست کار را یکطرفه می سازند امنیت در تمام ایران بحمدالله حکم فرماست هیچ هانه برای قیام قشون خارجه باقی نیست باید ملت يك با ایستاده جدا و سریعاً قشون همسایگان را از ایران خارج نمایند و ره هانه ها را تازه همسایگان پیش نموده مشکلاتی عصیم تر برای ملت و دولت پیش خواهند آورد

افغانستان

از اخبارات سرحدی نامر میشود اعلیحضرت امیرحبیبالله خان مولوی احمدالدین لاهوری را که سابقاً معلم عربی ایشان بود بریاست دارالعلوم و مدارس افغانستان بجای دوکتور عبدالغنی مقرر نموده اند حاکم جلال آباد سردار محمد اعظم خان بجلت ناتوان از خدمت استعفا داده و گویا برای حکومت جلال آباد از کابل حاکم مخصوص فرستاده شود سردار عنایتالله خان وایسرد افغانستان بپایه و سواریه ریاد بلوک گردی میزمایند و تا نزدیک قندهار خواهند رفت -

سردار نصرالله خان برادر کوچک اعلیحضرت در اصلاحات نظامی و ترقیات قشونی افغانستان کمال سی و دقت را دارند -

حکومت افغانستان برای حفظ امنیت امر فرموده که بحکام نواح جلال آباد و کدخدایان آخارف تا اندازه محدودی تفنگ و فشنگ داده شود تا از عهده امنیت بر آمده از مدافعه نیز عاجز نباشند علمای و ریاستان بجا کابل رهسپار گردیده اند طوائف علی خیل و ماموزن و موسی افواہ اسب که در (پیرا) جمع می شوند

مشهور است که اعلیحضرت امیر حبیب الله خان محمدحسن خان برادر محمد اکبرخان را که سابق خان (لال پوره) بود بعهده ریاست بوتیک (مهندی) مقرر داشته و حکم یافته است مقام برای خود در نزدیک (دکه) معین دارد

بعوجب خبریکه از کابل رسیده سردار نصرالله خان ترتیب يك فوج مسلح محافلی میخواند بدد و نقشه او را نزد اعلیحضرت امیر فرستاده این فوج را از هندوهای افغانستان از هشت خانوار يك نفر انتخاب خواهند نمود -

رسیدن قطب شمال

مخبر روتر خبر میدهد از (کوبن هینگن) که گویا رساله خبر رسیده که یکنفر از سیاحین امریکا (داکتور کوك) که در فبروری سنه ۱۹۰۷ از (اتالوا) روانه شده بود بتاريخ ۲۱ اپریل سنه ۱۹۰۹ با آخرین نقطه قطب شمال رسیده و با جهاز دولتی (کریبنند) داخل و سپس مراجعت بتمام خود نموده است

در رسد حاه (بروکسل) معلوم کرده اند که (داکتور کوك) در قطب شمال وارد شده است

اعلیحضرت (فریدریک) با (دوکتور کوك) ملاقات کرده و نشان (پورمیرایت) را باو مرحمت نمودند پادشاه و ملکه (دنمارک) شب گذشته باتفاق (داکتور کوك) طعام تناول نمودند و از محبت های او معلم الیها خیلی محظوظ شدند

مخبر روتر از طریق (نیوفاوندلند) خبر داده که خط (کاندر پیری) رسیده و اطلاع داده است که من با آخرین نقطه قطب شمال وارد شده و نشان دولت امریکا را در آنجا رکت نمودم

به (نیویارک هرلد) تلگرافی از (کوبن هینگن) رسیده که پادشاه به (دوکتور کوك) اعلی ترین نشان دولت خود را اعطا خواهد کرد و سایر سلاطین نیز یقین است پیروی از ایشان خواهند نمود

(کاندر پیری) به نیویارک طمس تلگرافاً اطلاع داده که ۶ اپریل وارد با آخرین نقطه قطب شمال شده و امروز وارد خلیج (شاتو) خواهد شد و مفصل واقعات را تلگراف خواهد نمود

(کاندر پیری) مدعی است که او اول شخصی است که به آخرین نقطه قطب شمال رسیده است

(دوکتور کوك) دیروز در انجمن جغرافیایی

(سوسیالی کامونی) باو اعطا فرمود

انجمن جغرافیای شاهنشاهی انگلستان (کاندر پیری) را جهت تعلق در لندن دعوت نمود. است، این انجمن هنوز (دوکتزکوک) را دعوت نکرده است (دوکتزکوک) در بیانات خود اظهار داشته که هیچ اعتنا به اعتراضات (کاندر پیری) نداشته و جواب وی را نخواهد داد

(دوکتزکوک) امروز وارد (نیویارک) خواهد شد روزنامه طمس امروز حالات منحل مسافرت (کاندر پیری) را به آخرین نقطه قطب شمال شایع کرده است

یونان

بموجب خبریکه از (آن) رسیده وزارت جدید فوجی که تمدد کرده از شهر خارج شده بود تقصیر شان را معاف نموده، ولی ولیمهد از کاندانی آنها استعفا خواهد داد

تلگرافی از (آن) رسیده که فوجیکه تمدد کرده و از شهر خارج شده بود با نظم تمام رجعت به اماکن خود کردند، آتشاش (یونان) بیشتر ازین است که افسران به ملاحظه حالت افواج قشون بری و بحری دل شکسته و مانبد خود شان را از سر کردی قشون ولیمهد و خاندان شاهی علیحده نمایند تا در عوض آنها مملکت از خارجه مقرر شوند

ولیمهد یونان و برادرانشان خواهش کرده اند که آنها را از احکام فوجی بزودی فرائت دهند با بامالی در جواب خط دوستانه وزارت جدید یونان اظهار مسرت نموده مینویسد که ترقی اتحاد بین دولتن عثمانی و یونان را چنین مراسلات دوستانه باعث خواهد بود ولیمهد یونان و برادرانش را از قشون علیحده نمودند

بلوک گردی سلطان محمد خامس

سلطان محمد خامس بصیبت رئیس الوزراء برای سه روز بسباح (بروسا) رهسپار و در استقبال شان تدارك منحل دیده شده

اعلیحضرت وارد (بروسا) و از تدارك استقبال شان که مسلمانان و نصرانیان دیده بودند زیاد متأثر شدند. علاوه بر رئیس الوزراء که مصیبت داشت فرزند رشید شان و چهار شهزادگان دیگر نیز بودند. اعلیحضرت سلطان مسجد کوه (اولس) را هم زیارت خواهند کرد

مسجد جامع (بروسا) رفتند. اژدهام زیادی در مسجد بود، مردم در شوارع ایستاده سلطان را تبریک می گفتند، وقت عصر در مسجد اخضر رفته و زیارت مزار سلطان محمد اول را نمودند و در مقابر دیگر هم رفته با رعایا اظهار مسرت خود را فرموده فردا به اسلامبول رجعت خواهند فرمود (اخبارات مراکو)

خبر رسیده اعلیحضرت (مولی حفیظ) مدعی سلطنت (مراکو) را که قید نموده در یک قفس آهنین کرده تشهیر داده و تشدد زیاد بر او می شود، تاجوی را که در ازای امتیاز ممان حاصل نموده مسترد دارد، ازین ظلم مولی حفیظ اهالی اروپا اظهار نفرت می نمایند

(مستر برآید) امروز به سیر خبر داده که در (فیض) رساله شکایت ازین مظالم بنامه، در (مراکو) قشون (اسپانیا) در مقامیکه بین دریا و (مارشیکا) است جمع می شوند، دیروز اعراب بر آنها حمله کرده جمعیت اعراب کثیر و سواران هم داشتند بعد از جنگ سعی توپخانه اسپانیا آنها را عقب نشاند و تلفات زیاد بر اعراب وارد آمد، ولی تلفات قشون اسپانیا بسیار قلیل بوده است

قونسل فرانسه مقیم فیض باتفاق قنصل دول آلمان استریا و اسپانیا مامولی حفیظ ملاقات خواهند کرد و بر متالی که از حکومت مراکو صادر میگردد بروتست از جانب دول یش خواهند نمود

دیروز اعراب مراکو در (الحوسمس) با توپ شلیک سخت نمودند، توپخانه و یک کروواتر (اسپانیا) جواب داد. بسبب شلیک اعراب اسپانیان عاجز از فرود آمدن شده و شکایت از قلت آذوقه و قور خانه هم دارند

مولی حفیظ حکم داده که مدعی سلطنت تاهنکام اعدام در (فیض) باید مقید بماند

دسته دوم قشون اسپانیا یازده هزار سرباز بسمت (ملیلا) رهسپار گردید

در قریه (ارکیم) قشون اسپانیا یکی از مقامات عمده اعراب را قبضه کرده و شکست سختی بانها داده قریه را تهب و غارت و آتش زدند

مولی حفیظ بتونسهای دول ایقان داده که در

تلاکرافات روتر راجع بایران

(۲۰ شعبان - ۶ سبتمبر)

نی امروز دولت جدید ایران دویت نقر قزاق ایرانی بطرف تبریز روانه نمود و درین راه مشتقد سواره دیگر از ایلات بآنها ملحق خواهند گردید و یک اردوی قوی نیز بطرف شیراز روانه نمودند

حبل المتین

چنانچه از تلاکرافات سابق ولاحق معلوم میشود فعلاً قرب تشهزار قشون منظم برای حفظ امنیت آذربایجان تدارک شده اگرچه در آتی هم تدارکات مرید بر آن خواهد شد ولی این مقدار هم نمیتوان گنت که فعلاً برای امنیت آذربایجان کافی میباشد اینک که محمدالله حکومت عالم قادر قانون دار هم وارد تبریز شده گمان نداریم که هیچ عذری برای حرکت دادن قشون خود روس را از آذربایجان ماق مانده باشد

اما فارس مسلم است که مملکتی بدین وسعت تا این همه ایلات امنیتش بدون یک قوه قاهره غیرممکن و ظاهر است که هماره باید در فارس یک اردوی منظم جیدی داشته باشیم ولی بعقیده دامایان رمور خارج نمودن قومایان هم از شیراز برای امنیت فارس کار یک اردوی جیدی می باید تا حاندان قوام در فارس باشند امتداد امنیت در فارس خاصه در شیراز محال است و مکرر این نکته به تجربه رسیده چه قدر مناسب است که حکومت جدید هم این تجربه را تجدید فرماید

(۲۲ شعبان - ۸ سبتمبر)

نی مخبر روتر از طهران خبر میدهد که نمایندگان روس و انگلیس و دولت جدید ایران برقرار نامه بین شاه مخلوع و ملت دستخط نموده ، در آن قرار نامه موجب محمد علی میرزا و یوم حرکت او معین شده است و برای فردا تدارک حرکت او را دیده اند و همراه او تا مرحد سه سوار هندی و سه قزاق روسی و جمعی از قزاق ایرانی موجود خواهند بود

(۲۳ شعبان - ۹ سبتمبر)

نی مخبر روتر از طهران خبر میدهد که شاه مخلوع از طهران بجانب روسیه حرکت نمود

§ (مستزکن وود) در دارالشورای ملی انگلستان بجواب (مستزاهارت دیویس) اظهار داشت که تجارت

غیر قانونی اسلحه درخلیج فارس تاکنون بکثرت جاری و حکومت درین باب غور می نماید

§ (مستزاهارت دیویس) پرسش نمود که آیا امید هست که نتیجه کانفرانس (بروکسل) که درین موضوع بین الملل منعقد شده بزودی فیصله این امر را به نماید که جلوگیری از اشرار بتوان نمود ؛ § (مستزکن وود) جواب داد تاوقتی که نتیجه کانفرانس اسلحه که در چهارم دسمبر سنه جاری در (بروکسل) شده ظاهر نشود نمیتوان درین باب رأی ظاهر نمود

§ (مستزاهارت دیویس) آیا وزارت خارجه نمیداند که این همه تنگی که وارد بساحل ایران می شود بهندوستان باز میگردد

§ (مستزکن وود) این امر را من هم تصدیق دارم (۲۴ شعبان - ۶ سبتمبر)

§ در معیت شاه مخلوع دو افسر از جانب سفارت روس و انگلیس تا انزلی خواهند بود علاوه بر قشون محافظ و سایر رؤسای مستبدین هم که در سفارت خانه پناهنده بودند در رکاب شاه حرکت نمودند

حبل المتین

بهترین اسباب امنیت و آرامی ایران حرکت محمدعلی است خصوصاً که رؤسای مستبدین هم در رکاب ایشان ایران را از لوث وجود خود پاک نمی نمایند و امیدواریم یکی از رکاب داران محمدعلی میرزا شاهزاده کامران میرزای نایب السلطنه باشد

چون شاهزاده کامران میرزای نایب السلطنه (که صدماتش بدولت و ملت ایران بر احدی پوشیده نیست و در استبداد برستی ایشان همین نکته بس که در تشکیل دوساله مشروطیت ولو بخدمه هم باشد یک مرتبه بمجلس مقدس نیامد و هماره محرك شاه جوان بود) جد شاهنشاه معصوم ماست مسلماً هرگاه در ایران بماند تعلیمات سریش قطعاً در آتی مضرات عظیم برای ایران تولید تواند نمود ، امیدواریم که این شاه زاده مستبد هم در رکاب شاه مستبدین از ایران حرکت فرموده باشد و اگر خدای نا خواسته حرکت نه نموده امیدواریم که اولیای امور جمهور قومی فرمایند که زیان تعلیمات وی بشاهنشاه معصوم صاف درون ما سرایت نه نماید

- (قیمت اشتراك)
- (سالانه - سن ماهه)
- (هند و بزمه)
- (۱۲ روپه - ۷ روپه)
- (ايران ، افغانستان)
- (۴۰ قران - ۲۰ قران)
- (غزنی و مصر)
- (۵ نجیدی - ۳ مجیدی)

نام مقدسه

المبتليک

(شماره ۴)
 HABLUR
 I, ME HO
 (با)
 (مهم است)
 (طبع)
 (و سه شنبه توزیع میشود)

(جناب مستطاب اجل اکرم انجم عالی آقای ذریعہ ساجده بختیاری سردار حایل ملی و فاتح شهر شیر اصفهان دام احلاله)



برج شہامت و شجاعت ، درج نبالت و نجات ، یگانہ فرزند ایران ، بش آنگ احرار جنوب ، حامی الشروطه و محیی اللہ

این یگانہ وطن خواه نیور شیل نیبل ونجل جلیل مرحوم جنت مکن حسرت قلبخان شریذ و برادر با جن برابر حضرت اشرف آقای مصمص السلطه فرمانفرمای اصفهان و حضرت اشرف علیقلی خان سردار اسعد وزیر داخله آمد بعد از آئیکه اقبال الدوله کاشی در اصفهان دست بیداد از آستین نداری بدر آورد ، این سرغام بیشه شجاعت با نور دیده خود آقا میرزا ابو التاسم خان « که گ و مر قوت و مجسمه شجاعت است و خدمات تاریخی آن هیچگاه از قلوب ملت قدردان ایران زایل نخواهد گردید » با هیتی از سواران دلیر و جان بازان شجاع بختیاری وارد اصفهان و دامن خدمت ملت را بر کمر زده در چند - انت خنک مرده اقبال الدوله و سربازان شرور را مخذول و منکوب ساختند

بزرگترین خدمت این راد مرد باهالی اصفهان آن بود که شهر را از غارت سربازان مخوظ و آنچه نیز برده باز گرفته بصاحبانش مسترد داشتند ، و اگر نبود اقدامات جانشانه این بدر و پسر - سربازان هستی برای اهالی این شهر شیر نمیگذازدند

والفضل للمقدم را فقط این راد مرد بزرگ که چکیده شہامت و نجات است در جنوب حاصل بوده و در فتح طهران نیز سکه آخرین میدان سر ایشان بود نیکو حصه گرفته و بهترین بروز حریت و هدی و وطن خواهی را دادند

پای بلزده که ملت ایران هماره وجود محضه این بدر و پسر بالنده از درون جان بگویند زنده باد

مسرت

خدای را شکر دیدیم عدلیه اعظم ایران را کاملاً بوظایف مقدسه خود قیام و بدون لحاظ این قوی ترین چرخ مدنیب اسلامی در مجرای بی رعایتی بگردش آمده است

کدام مسرت برای این پیر خادم وطن (که هستی خود را در برقراری و استقلال عدالت اسلامی صرف نموده) بالاتر ازین تواند بود که بشنود و ادر عزیزش با آن مقام بلند عدالت پرستی و بیک عالم خدمات ملی و وطنی (که سیزده ماه در بدر و حلاه وطن بود و پس از طلوع شمس حریب که با شیبانه ویران شده خویش باز آمد) محرم سرو بطارتی در طبع یک مقاله به اعتقادی که در شماره (۶) بومیه جبل الملقی طهران طبع رسیده بعدایه حلب و تحت استنطاق و توقیف در آید

بلی این است معنی قانون - این است معنی عدالت، ما ارضیم قلب تبریکات خودمان را بورات عدلیه اعظم ازین بی ملاحظه کی وعدم رعایت تقدم می نمایم. و برادر عزیز خود آقا میرزا سید حسن را هم ازین حادثه غیر مترقبه محبتار میدایم، و او را تبریک میگویم که شخص او مورت روبرق عدالت اسلامی وطن مقدس گردیده و این افتخار در ارباب جرائد ایران اول نصیب ایشان شد، آری وطن پرستان و ارباب حراند را خاصه در ۱۰ کی که چرخ تمدن در سب بگردش بیامد. برین ریب عل و رنجیر و بالاترین حاکم محبت است ترک مال و ترک جان و ترک سر در طریق عشق اول منزل است

چگونه و کی بسایں امر را در آتیه خواهیم بکاشت

روس دارد عرض خود را می برد

طار بر ایسکه روسها کم تعلیم و تربیت یافته خصوص در سیاسیات. اقدام هرکاری که میکنند جز وحش و خشونت از آنها بروز می نماید و چون ترقیات آنان با اصول بر ریب و ارا از زور شده اکنون هم که بخیمال خود با در دائره تمدن نموده و طرف معاهده و مرادده دول متهمه گردیده چشم از مسلك دیرینه خود که زور گوئی و بد قولی وعدم ایفای بمواعید است می بندد، و حال آنکه این دوره باید روسها خود را معرفی در دست بیانی نموده

تا قلوب رعبده را رام و خود را نزد متمدنین قابل الوداد جلوه دهند

در منچوریا روسها بمواعید خود ایفا نه نموده و قدری خشونت آغازیده تا خویشتن را بخاک سیاه نشایند، گویا آن صدمات عظیمه که روس را از اوج عزت بمحضیض مذک کشاید فراموش نموده و حال آنکه هنوز موقع فراموشی آن نرسیده، چه زحماتی که در آن میدان یافته بخیه محورده، و اگر بدقت ملاحظه شود از بد جنگ اقصای شرق همه دوره از اقتدار روس کاسته و هور هم دارد میگذارد و حال روسیه غالباً و پایندگان او در خارجه عموماً مسلك بجاه ساله خود را تبدیل نداده و دولت روس را با آن مشکلات عظیمه دوچار کرده و من باید هم خواهند کرد، عجب تر ایسکه ورارتخانه های روسیه هم تا کنون دارای یک مسلك قویم شده اند و این دستکاه هرچ و مرج و اصول بی اعتدالی علاوه بر ایسکه روس را بریانات عظیمه دوچار می نماید عرض او را هم می برد

دوای روس از یکطرف در املاعات رسمی خود تقدم مداخلت خویش را نامور داخله ایران اعلان می دهد، از طرف دیگر به سانه های حثک واهی که عدم صحتش بر عالمیان آشکار است سوق عسکر بایران میکند و سرداران بی تربیت و عساکر وحشی آن بسای بی اعتدالی میگذارد، شرح بی اعتدالیهای قشون روس را در خراسان و تبریز بر سبیل احوال بکاشته ایم، ایسک قشون وی در قزوین همان بی اعتدالیها را پیش رفته. بالاتر از همه ترک احترام مساحد گشته و توهین به معابد اسلامیان را اسباب هیجان ملت دانسته درین حاده می کوشند،

خوبست رجال روسیه یاد آورند اعلانات رسمی خود را که بار بار بجمع دول و ملل داده، دولت روس باید متذکر شود واسطه قراردادن اعلیحضرت سلطان عثمانی را در رفع هیاج روحانین و آنچه اظهارات دره و عرضی، نمایندگان روس باید احرام نماید تلگراف اعلیحضرت امپراطور روس را بمقام منبع ریاست روحانی اسلام و ملاحظه کنند که مقام منبع ریاست روحانی چگونه تلگراف و مواعید امپراطوری را توقیر فرمودند، رجال روسیه راست که پیش ازین خود را به پیشانی می زدند

احترام از مواجید و اقوال شخص امپراطور کنند و بدانند که عالم بیدار و طالبان هوشیار شده و به تمام حرکات روس و خیالات او پی برده اند

دولت روس باید بداند که بجهت تدبیر در ایران مسلك منچوریا را از پیش نتواند برد، دوره محمدعلی را باید فراموش نماید، امروزه ملت و دولت ایران متحد المسلك و المقصودند، ممکن نیست زیر بار تعدی روس یا دولت دیگر بروند، اگر قشون روس در منچوریا هفت سال استقامت نمود در ایران هفت ماه قیام هم نتواند کرد، نمایندگان روس دارند از حرکات غیر مرغوب عرض دولت خود را می برند و یتیناً بجای نفع نقصان حاصل خواهند نمود، علاوه بر اینکه با کمال ندامت بهد از خرابی های زیاد مجبور بود قشون خود خواهند گردید یک مرتبه سلب اعتماد و اعتبار ملت ایران هم از روس خواهد شد و زیان این نکته تا قرنهای عدیده عاید تجارت و سیاست روس خواهد گردید

دولت روس یقین بداند که اسکایس را تا آخر با خیالات او همراه نتواند بود و تا این درجه نیز که همراهی کرده هم لکه تاریخی تمدن کوی بروی خود نهاده و هم زیانهای تجارتی و سیاسی را برای خویش دبتوت نموده است، چه همراهیهای انگلیس بروس قلوب ایرانیان را از وی رمیبد داشته و بحباب بزرگترین رقیب او که آلمان باشد رام کرده و زیان این نکته برای انگلیس بالا تر از حد بیان است، نه تنها در ایران بلکه در تمام آسیا، البته ملت انگلیس کاملاً بی بحضیت امر برده عنقریب جار و ناچار ترك همراهی گشته ورنه باید باتش روس بسوزند و نفوذ خود را بر باد دهند، حرکات روس در ایران و حمایت مجبوری یا اختیاری انگلیسان از وی نائرة جنگ عالم سوز اروپا را دارد دامن میزند که قطعاً زیانش بیشتر عاید بانگلیس نسبت بروس خواهد گردید، می بینم که بد قوایمای روس عناد بزرگ مذهبی بین مسلمان و نصاری خواهد مانداخت و این عناد آتشی درین عالم افروخته دارد که امنیت پستدان یاد از ایام جنگ سلب نمایند، زیان این امر بانگلیسان بسیار است چرا که هیچ دولت بهر انگلیس رهایی اسلامی ندارد، مسلماً

را منحصر دید و حکم بجهاد دفاعیه داد انرش در جمیع عوالم اسلامیت کسب عمومیت خواهد نمود دولت روس این امور حتمی الوقوع را باز میچه تصور نه نماید و چنان نه پندارد که مقام منبع ریاست روحانی اسلام غافل مانده و یا ایرانیان از حقوق ملیه تلفت خواهند ورزید همین ترك مراوره و معامله که با روس آغاز نموده اند زیان سیاسی اش ده گونه از تجارتی اش بیش است

دولت روس یقین بداند که درین معامله از ایران سود نتواند برد و بهد از خسارات و زیانات بسیار و باختن نفوذ يك صد ساله بامنهای بی شرفی بدر از منچوریا و جزیره های بالکان باید ترك همه چیز را در ایران گوید، چه طالبان عموماً و ایرانیان خصوصاً داشته که دولت روس قالب بی روحی بیش نیست و این تك و تازو عیا هو هم برای پی کم کردن است که بر ایرانیان به نماید (ما همین که بوده ایم)

ولی دانایان رموز داشته اند که روس را آن قدرت نموده که يك نقطه خارجی بجاه مرار قشون سوق داده و يك ماه باصول تمام قیام تواند نمود بهتر این است که دولت روس زیاده بر این عرض خود را نبرده و مانند منچوریا و بالکان خویشتن را بزبان و خساره نیندازد

نجات ایران در اعتدال مسلك و کلاست
بوجب تلگرافات واصله از ایران بمحمدالله غالب بلاد وکلای خود را انتخاب و کمال سعی و کوشش هم در حسن انتخابات بعمل آورده عنقریب بتأییدات امام عصر عجل الله فرجه و توجیبات حضرات آیات الله مدظلالهم و مجاهدات غیر آئندانه سرداران ملی و مجاهدین حقیقی اسلام مجلس مقدس بعیمنت و مبارکی تشکیل خواهد یافت

ولی نکته بسیار معتنا که ما به باید از نظر دقت دور داریم این است که بر حسب مقتضیات امروزه ایران حفظ این کعبه آمال ملت و استقلال وطن عزیز را چگونه باید بنایم، بتول سیاسیون گرفتن مشروطیت آسان و حفظ آن بسی دشوار است خصوصاً برای ایرانیان که الا شد و ندر از حلیه علم و اخلاق و مزایای سعادت عاری و از استدراک نفع و ضرر خویش عاجز و از مقتضیات سیاسیات عصر يك

که یک نفر شیاد بچهار کلت دزدی عوام فریب خنل در ارکان دیانت هراس و سیصد سائو آن بینداید ظامر است که در کمال سهوات شیادان دزار پانگی خارجه میتواند آنها را از صراما مستتیر که تازه بدست آورده منحرف سازند، چنانچه در دور اولیه منروویب میدیم که یب حاب محدودی را واداشته بودید هر روره یکی را ملعرن و دیگری را معصومی خواندند، روز دیگر هم ماعون معصوم و همان معصوم ملعرن می شد، بعبارت احرى هم جامع انگشت شاره که آه به طرف امراض خارجه بودید مردم را سنگ روی یج امراض شخصی بود و عوام را کور کورانه هر نوا که میزدید میریصانید و عاقبت برده از روی کارها که مرتفع میگردد معلوم می شد که آنچه هیا هو برای ربودن لحاف ملا نصرالدین و به اشاره همسایگان بوده یب این حاعت یا آه به طرف امراض احاب بوداند و یا حده سیم و زر مغرض داخه آنها را باین حیالات موح سوق داده و یا خود پسندی و راست ظا آنان را بدان حرکات ایران ویران کن وادار نموده است

موشکافان دور و نزدیک کاملاً به حیالات شیادان واقف بودند ولی چون مدس نوری ماسد محمدعلی و اتباع او باش او در میان بود خوف آن داشتند که اگر برده از روی کار برداشته شود یکدفعه شیرازه کار از هم بیاشد

امروز هم میتوان گفت که دسب ای - رحه و رحال خود حواء در میان ما کار خواهد نمود و یا آنگونه شیادان از ایران معصوم شداند و یب ماب ایران از صدمات سبق حاصل نمود و دملا حیر و نهر خویش را داسته سنگ روی این و آن بخواستند کردید

سکوت و صوت کمون هوا برستان را بحرا باید دعت، وحدای ما خراسته از دو مار میدان بیاید باش از باش به تکاپو حواسد افتاد

هیچکس اشکار نمیتواند کرد که در دوره اولیه تا وکالی مجلس مقدس دو تیره نشد، بودید مجلس حال قوت را داشت، این حشرات مالی و حال برای ملت پیش نامد مَر از دو تیره گی وکلا، وکلا که سبب دو تیری مجلس شدد نمیتواند دعوی نماید که ما سبب حوشبش ایران شدیم، چه آنان چنین

روزی را به قوه متخذه خود هم خطور نمیدانند، آنها چه میدانستند که حضرات آیات الله تا ایندرجه پای خوانندفورد، از کجا ملتت بودند که سمصام السلطنه و سیدار اعلم و سردار اسعدی هم پیدا خوانندشد که کار را به این شکل مرثوب در آورند، از کجا میدانستند که عثمانی منروطه شده و یک قوه الکتریسی و یب حذو معوی در حصول آزادی برای ایرانیان حاصل خواند آمد، یب باید گنت یارتی سازان مجلس مقدس ملی را خراب کردند، نهایت از حسن تصادف و همت بزرگواران دیگر باحسن وجه آمدشد ما مرگز قائل زبده ایم که محمدعلی با منروطه همراه می شد، ولی همینقدر را به آوار بلد میگوئیم که محمدعلی را در این همه خرابیهای ملک و ملت قدرت نداد و جارت عشید مگر دو تیره شدن وکلا، مجلس و اختلاف کله اعصای محترم آن

برایشها باید افتال شود که پارلمانهای اروپا چون

دو یارتی هستند مجلس ما هم باید دو تیره باشد

(میان ماه من تا ماه گردون)

(تفاوت از زمین تا آسمان است)

هم قدر میگوئیم وقتی که ملت ایران اخلاقاً علیاً قدرتاً ماسد مردمان اروپا شدید در آن صورت اگر در دو تیره گی پارلمان تقلید از آنها نماید حرقی نداریم و هیچ زبانی هم برای ایران منصور نخواهد بود بدبختانه ملاحظه می کنیم که تا کنون ملت و دولت ایران را مسلك مستقیمی سر مشق نشده که وکلای پارلمان ایران دو مسلك صحیح برای تکمیل مسلك ملت و دولت اختیار نماید

چون مسلك نداریم علم نداریم پانیک نمیشناسیم احلاومن فاسد است، بجزردیکه اسم دوتا شد اختلاف در میان آمده تشنه خون یکدیگر می شویم تا حاسیکه تیشه گرفته بر ریشه اساس مقدس حریت خود میزیم، اوضاع حیدری و امنی از شهرهای ایران دنوز مرتفع شده، و علت آنچه و حقی گریها هم جز دو تیری که از دو اسی تولید شده هیچ بوده، عجب این است که بر این حرکات خود قفاخر میجوئیم چنانچه شد و دیدیم

هنوز ما ایرانیان وضع مناقشات ادبی و خصوصیات سیاسی را نمیدانیم، تبان مسلك پانگی را نمی شناسیم یعنی اختلاف آرا را در موارد مخصوص نمی فهمیم

مطلوبات خود را بالاتر مطالبات هرکس می بنداریم، لا ادری را منافی مقام و برای خود بدترین عیب می شماریم، وبدون حجاب و خجالت با کمال بی اطلاعی دخل در هر مقولی میدهیم و این صفتیست که در جنس ایرانی (الاقبلا) کسب عمومیت دارد، وای بوقتی که جاه طلبی و خود پسندی هم مزید بر آن گردد! ظالم است در آن صورت جز آنچه بار آوردم بار نتوانم آورد

این است که نظر بر آن اطلاعات واسعة که در پیش آمد سیاسیات ایران و اخلاق و عادات اینها وطن عزیز خود داریم بزراعات علاج واقعه قبل از وقوع میگوئیم

مضرترین امور برای ایران اوقه-ادن اختلاف بین ملت خاصه وکلای مجلس و تشکیل پارتیهایی مختلف در مواد ملکی است، با اتفاق جمیع سیاسیون امروزه نوشداروی جراحات ایران اتفاق و اتحاد و یگانگی و برادری و برابری است، خصوصاً در وکلای مجلس مقدس که نماینده ملت میباشند

خدای ناخواسته اگر امروز مانند دوره اولیه وکلای مجلس مقدس دو تیره کی اختیار نمایند و اختلاف بین آنها حاصل شود یقین بدانند بدست آورده با هزاران خون جگر را قسمی از دست خواهند داد که دوباره با صد هزار خون جگر هم نتوانند بدست آورد، بنا بحال ملتی سکه وکلای پارلمان در آن مجلس مقدس که باید سر تا پا در حفظ حقوق موکلبین و وطن عزیز خود غرق باشند پیرامون اغراض شخصی گردند!

امروز بهترین اسباب ترقی ایران و نیکوترین راه پیشرفت مقاصد ملیه اتفاق وکلا و سلامت روی آنها و عدم دو تیره کیشان است، گویا لازم به تشریح نباشد که غرض ما از اتفاق وکلا آن است که میان خود و خدا اغراض شخصی و خود پسندی و شهرت طلبی را ترك و فقط خیر ملک و ملت خویش را منظور دارند، و مقصود از سلامت روی آن است که برای جلب فائده و کسب شهرت بی جهت با یکدیگر طرف نشوند و بسختان ناروا قلوب را از مجلس زنجباند، بعبارة ساده تر از حدود و وظائف خویش خارج نشوند مخالفین را

دخترش مخالف نماند بدون شبهه اگر وکلا ترك جدّه اعتدال نگویند هر مخالفی را موالف توانستند، نباید چنان تصور کرد که چون محمدعلی از ایران خارج گردید خطرات مشروطیت ایران هم يك مرتبه مرتفع شده است، دانایان رموز میدانند که تا سالهای داراز نمیتوان مشروطیت ایران را خالی از خلل دانست، هنوز همسایگان از خرابکاری ما مأیوس نشده اند، هنوز دشمنان خارجی و داخلی در کین اند، هنوز دست پلنیک همسایگان در کار خرابی است و تمام همشان این است که هر گونه خرابی که ممکن شود بدست خودمان به نمایند، دشمن بزرگ ما را هم که در جنگ دارند، بهانه های پلنیک هم که بسیار است

واقفان رموز میدانند که مشکلات ایران در این دوره از دوره سابق پیش است، خیلی باید با ملایمت حرکت نمود تا کشتی شکست خورده وطن را از این گرداب پلنیک برهانیم و هیچ تریاقی امروزه نافع تر باسراض وطن عزیز ما مانند اتحاد نیست، و هیچ سی در قطع ریثه حیات استقلالیمان سریع الاثر تر از اتفاق نیست خصوصاً در نماینده ملت یعنی وکلای محترم لذا ما به آواز رسای خود اتحاد ملت محبوب خویش را متذکر میباشیم که ای ملت محبوب من بدانید و آگاه باشید که بزرگترین دشمن ایران در این دوره کسی است که سبب اختلاف شما و باعث تشکیل پارتیهایی مختلف گردد -

نامه مقدس ملی با يك دنیا پاك دامنی دامن همت برگرزده که هرکس ولو اعز دوستانش باشد و بهوای نفس و خود پرستی نخواهد خلل در ارکان اتحاد ملی بپندازد بی برده برده از روی کارش بر دارد این تذکره را قبل از وقت محض اتمام حجت نمودیم، خود پرستان که محض جلب شهرت و هوا پرستی آله دست اغراض رجال خودی و بیگانه شده باید بدانند که حرکات سابق شان نیز نزد رموز دانان پوشیده نیست و نیز بدانند که چون این نامه ملی پیرو حق است و جز در راه حق نمی پوید حق هم با اوست و قوه خداوند و برکت درست نویسی و استقلال بمقصود نائل خواهد گردید هوا پرستان شهرت طلب بدانند که این دوره را بدوره اولیه قیاس نمیتواند کرد و آن مواضع و واقفان

رموز را ساکت داشته بود مرتفع گردیده در عالم وطنخواهی سکوت و صوت را وطن نرونی تصور مینمایند ، امیدواریم که صدقات این سزده طاعه قلب ماهیت عمومی نموده کایه این تصورات عاطل و باطل گردد

معذاتك قوة مجریه خصوصاً هیئت (درکتری) را که ناظر بر کایه امور و انشاء الله مقصودی جز خیر عامه و استقلال وطن ندارند متذکر می شویم که پارتی بازیهای وکلای دوره اولیة مجلس مقدس را فراموش نه نموده زیناتیکه از آن اختلافات بملک و ملت و دولت عاید گرددید همراه مدنظر داشته از آغاز جلوگیری از دو تیره کی نمایند ، ورنه در انجام از اصلاحات عاجز خواهند ماند

(سر چشمه باید گرفتن به پیل)

(چه برگشت نتوان گذشتن به پیل)

امروزه هیچ چیز باستقلال ایران مانند نفاق زیان رسان نیست و هرکس که بر لباس و مراسم و طریق درین جاده کوشش کند دشمن ملک و ملت و آله دست امراض خارجیه شناخته خواهد شد

ای ملت محبوب من ، ای کسانیکه در راه استقلال وطن عزیز خود از بذل نفس نفیس دریغ نه نمودید ، جان دادید ، مال دادید ، عیال دادید ، از هستی خود گذشتید تا بمقصود نائل آمدید ، بدانید و آگاه باشید که هنوز دشمنان خارجی و داخلی وطن مقدستان از تشبثات ایران ویران کن بار نیامده و همه روزه بشکلی درآمدی بلکه بتوانند در استقلال شما خلل اندازند و امروز بهترین وسیله آنها سارش با کسانی است که با نظامر خودشان را خیرخواه شما جلوه میدهند ، شما راست که حقوق خود را بشناسید و کور کورانه برو لفاظیهای عوام فریبانه این و آن نگردیده بهر دست دست مده اید - که

(ای بسا ابلهین آدم رو که هست)

(این هر دستی نباید داد دست)

یک علامت برای شناختن اینگونه اشخاص کای تواند بود ، یعنی سب در سلب آفتاب و اتحاد ملت در تشکیل پارتی های مختلف تا دو تیره گی در میان شما اندازند و بدون استحقاق در جلب شهرت خود پردازند ، این گونه اشخاص را هرگز خیرخواه وطن

بشارید ، وطن پرست مینخوانید ، که زیان آفتاب از انواع خارجه که داخل در وطن ما شده اند کم نباشد

لایحه است که از جانب هیئت علمیه

(نجف اشرف رسیده)

بر امثال جناب عالی دانشمندان صحیح الاعتبار و فلاسفه منوره العقول وسیله افکار پوشیده نیست ، مقتضیات عادیه و موجبات طبعیه مدم اساس مقدس معدلت بنیان محکم الارکان شوروی که تأسیسش نتیجه زحمات چندین ساله قدمای مجاهدین و خلاصه مجاهدات مدت عمر فلاسفه سیاسین اسلام بود که بجمع قوی همت و همتی خود صرف تربیت اینقوم جاهل غافل نموده و بدم مسیحی رنگ بزرگ بر حسب اقتضای زمان فسخ حیاتی در قالب بیروح و بدمدمه سحر بیان اهتراز و جنبشی در حق مردم مرور زمان پدید آورده و قبل از تکمیل استعداد به تحصیل علوم ضروریه و تنویر عقول مکدره و توسعه افهام و افکار ضیقۀ محدوده علی الظاهر حیثه من حیث لا یشر و لا یحسب ندای حریت بلند و آوازه مشروطیت بالا گرفت ، وبدون خوریزی و فتنه انگیزی که لازم عادی وصول این مقصد عالی بود نائل باین موهبت عظمی و سعادت کبری شدند ، و البته معلوم است که نظمای متشابه بعضی ناطقین بی درایت و تجاوزات صریحه بعضی ارباب جرائد بی سیاست و مستفرنگی و فرنگی مسلکی بعضی وطن خواهان فرنگی پرست باملاحظه جهل و نفاق عمومی ملت که خود دشمن قوی مجلس و پیش ینان دور اندیش را بوعده انحلال آن نگران اقتضای اجل میداشت با افزوده کی خیانت امناء و وکلای ملت و پناه جوئی عالم نمایان هوا پرست ریاست طلب تا چه درجه مساعدت با خیالات مستبدین و وسیله دست آویزی منروعا خواهان برای تشویش افکار و خیالات عامه عمیا و اسباب استظهار و درازی زبان مناقب فتنه جوی ظالم خواه شد ، فسارما سار و جری ماجری ، حال که بمحمدالله از توجهات امام عصر عجل الله فرجه و حسن اهتمامات مجددانه حجج اسلام ونهضت شیروانه آذربایجانپسا و مجاهدات خاصانه هیئت علمیه و اقدامات اداکارانه سرداران جات و تنگنا

نامه مقدسه حبل المتین بعد از اراقة دماء مهترمه
 نوجوانان وطن و اتلاف نفوس و اندام نریت
 محسوست و هستی و قوی امت بنوه قهرمانیه ملت
 باسترداد حقوق منسوبه و ترمیم خرابی عمارت عدل
 و تشدید و تشدید اساس دستوری موقیبت حاصل
 شده اگر باقاء جهل که داء غیا و اعظم اسباب
 جالبه شقا است بعضی موجبات عاده دیگر رفع
 نشود و جلوگیری از نطق ناطقین و مزخرفات
 ارباب جرائد نشود، خدا ناکرده هنوز یم تواند
 اشکال مقتضی اختلال و خوف انقلاب مستبدی انحلال
 و بلکه زوال و اضحلال دولت و ملت باقی ،
 بر جناب عالی که لسان ناطق ملت و رب النوع ارباب
 جرائد هستید صرف توجه همت علیه را باصلاح
 و تعدیل لاجه ارباب مطبوعات و تقویم انحرافات
 مسلکشان باید کمال اهمیت داده بقوت بان و قدرت
 بیان که در جمع و فرق و التیام و خرق بین اقوام
 متغافله و ملل متحابه سحر عظیم را نشان میدهد
 باید در تالیف و تحییب بین ملل اسلامیه و خصوص
 دو دولت بزرگ اسلامی کمال توکید و بذل جهد
 فرمود و اظهار مضادت و معادات مذهبی را که
 برخلاف توصیه و دستور و مسلک ائمه دین جهال
 طرفین و غلبه دینی خود نرض نموده تبدیل باظهار
 اتحاد و مواخات که قره العین علمای متقدمین و منتها
 مقصد روسای سابقین بود و به بذل اموال و نفوس
 رفع آن تباین و تماید در دور استبداد نتوانستند
 نمود فرمائید، و اینوقع را که زمام مهام امور وحل
 و عقد و قبض و بطل کارها بدست اهلس ترقی
 خواهان اسلام و جمعیت اتحاد طلبان متبری العقول
 بنور تمدن افتاده که دشمن نفاق و احتلاوند وضع
 و قهقر اسلام و مسلمین را از بنوایت و اختلاف
 و تعصبات جاهلانه شناخته اند در قلع ریثه نفاق
 و قطع شجره خبیثه اختلاف و افتراق همدست و
 اتفاق دارند ، فلذا کمال مساعدت و مساوت فعلی در
 تحصیل مقاصد مشروعه ایرانی نموده و قولی بلسان
 فصیح دعوت صریح به اتحاد و یگانگی و موادت و
 مواخات دارند باید فرصت را غنیمت شمرد و هم
 ناطقین و ارباب جرائد را باین نکتة متوجه و
 بنوکید و تشدید عقد اتحاد و دعوت توحید توصیه
 و تشدید فرموده که مطلب اهم و موقع مناسب و

غل ملل معده فراهم است
 الحق هر قسم همراهی مجدانه نملاً و قولاً مالاً
 و نفساً از احرار عثمانی برای جوانان اسلام در
 مظاریت و موقیبت مجاهدین مشروطه خواهان ایرانی
 بمقاصد عالیه شان روشن و واضح شد، بالکلیه تباین
 مؤکدی که از جهة مناقشات سرحدی در آخر عمر
 حال احتضار استبداد عثمانی میان ملتین حادث شده
 بود مرتفع و تدارک نمودند، درین احتفالی که در
 مدرسه مرحوم شیخ التمه والحجج آقای حاجی اعلی الله
 مقامه بعد از وصول خبر تجاوزات و تصرفات جنرانه
 همسایه شمالی به نسیبیت و اقدامات هیئت علمیه
 تشکیل شد برای توفیق و جمع همه علما و حجج
 و تشدید توحید آنها همه روزه روسای اداره
 عسکریه و ملکیه و قضات و خطبای عثمانی حاضر و
 مکرر خطیبی که از اعضای جمعیت اتحاد و ترقی بود
 بمنبر رفته نطقهای مهیجه میبکند و خطابهای
 مؤکده اشلاف و اتحاد انشاء و قرائت نموده متصل
 از پاشاوات و قضات و نقبا و اشراف بغداد و از
 سایر نقاط عراق و اسلامبول و سلانیک تلگرافات
 مساعدت میرسید که بجمیع قوی حاضر و تسلیم رأی
 حضرت آیه الله آخوند خراسانی هشتم و مخصوصاً
 بغداد رؤسای ملکیه و عسکریه و روحانیه چه
 بموجب توکیدات و توصیه جات که از مبعوثان و
 ذات مقدس شاهانه داشتند، چه باقتضای حجت و بیعت
 اسلامی در پذیرائی مقدم حضرات آیات الله بعد از
 بیخبر حرکتشان نیبه و تدارکات فوق التصور فراهم
 آورده و شکامه انقلاب و هیجانی فوق العاده و
 بحیرالاهام بیا داشتند، و هیاج و جوشش از روی
 حقیقت و خلوص نمودند، که قابل تقریر نیست و بعضی
 مراتب قابل تحریر را وقایع نکاران بدرض خواهند رسانید
 انوس و هزار حیف که بعد از آنکه
 هیئت علمیه حسب المشوره و الدستور مقدمه یکروز
 قبل حرکت کردند وصول اخبار رسمی تلگراف
 بر فتح طهران و خلع و لیس و عزل و نصب و تغییر
 کردن مسلک پلیدیکی توهمات و ملاحظاتی تواند کرد
 سبب سستی عزیمت و از آن طرف هم بعضی از
 آقایان کربلا جداً تمام قوی همت بر توقیبت حضرات
 حجج و آیات الله کاشته حاصل نگذاشتند چنن موقی
 که از صدر اسلام الی کنون برای اعتقاد و اقتضا

شیعه فرام رفیع تبیین مذهبی و زحمت تقیه و انکار
 صمدی که اول مقصد عالم اسلامی است فرام شده
 و نخواهد شد نتیجه بدمد، البته خود جناب عالی که
 تکلیف و وظیفه خود را باقتضای هر زمان و مناسب
 هر وقت عارف و عامل هستید و همیشه با سلوهای
 متقد و مسالك متعدده داعی مسلمین بر وحدت و
 یگانگی و موجبات سعادت و ترقی بوده‌اند، ولی چون
 سمت رب النوعی به ارباب جرائد و مطبوعات بلکه
 همه ملت دارند باید لسان روزنامه نگاران را هم
 بدین وجه گویا خوانند و ملك کج و معوجشانرا
 که منافع اقتصادی وقت و مشوش خیالات عوام است
 است تفسیر و از علو در حریت که باعث تجاهر
 و اشاعت منکرات است تحذیر فرمائید، و کمال اهمیت
 را در جلوگیری از متهم کردن ناموس شرع و
 متجاسمین در تجاوز از حدود الله بتصییق و تشدید
 اجرای سیاست و مجازات باید مندور داشت، اگر
 صلاح بجهة منلویت و افسار تام قوی استبدادیه مناقص
 مستبد طبع که با سببری خود از هر دین و آئینی
 مشروع خوای و شعار دینی را وسیله بکانه تریج
 فان و اسگیزش فقه و شقای شناخته و تجربه کردند،
 درین وقت قدرت نهی برخلاف داشته باشند
 منزه فرصت و وقت خواهند بود و مترق خورده
 گیری و اعتراض و مناقشه در افهام و اقوال احرار
 برای سند و حجت دست آوردن و وسیله تحدید
 فقه و آشوب ساختن و چون هر قوم حاصلی که
 در تحت تربیت معلم اسانیت تکمیل آئین مدیبت
 و تعدیل ملکات و اخلاق آدهیب نکرده و روادع
 دینی و زواجر سیاسیات قانون جلوگیری از شهوت
 را آنها بشود، مثل ملت ایران البته بالطبع اقتصادی
 تلبه عنصر هوای حیوان و اقتدای بمسلك سلطان
 هر زمان متصدی حز نعیش و حلب ملایات نفس
 تصور نخواهد کرد، و مؤدی بهرج و مرج و احتلال
 نام حمیت خواهد شد، حال که بحکم قطعی دیانت
 و تصدیق حکما و علمای عالم بهترین اصول تمدن و تمام
 ترقی قانون عدل قانون حافظ نظام قانون اسلام است
 باید کمال مراقب در رعایت حدود الهیه و حفظ
 نوامین اسلامی و اجرای سیاسیات شرعیه بی مسامحه و
 ملاحظه بشود،

و تلبه و تاحکید درین امور وظیفه امثال

جناب عالی است و به تعلیم جناب عالی لسان همه اهل
 جرائد را هم بلعن خود مترق فرمائید ~~که~~ در
 عوض افسانه و چرند و پرند و دیگر الفاظ کرمیه
 به تعلیم اخلاق و تعدیل ملکات مردم که اولین وسیله
 حسن تمدن است پردازند و در هر جریده فصلی
 از فصول اخلاقی و اصول آدمیت مندرج سازند
 چنانکه جرائد مصرین اغلب به بیان حقایق اسلامی
 و روح تمدن و تدین میپردازند، چرا باید طهران که
 مرکز و عاصمة ناطق اسلامی و بلاد شیعه است عن
 و شرف و ناموس اسلام را بیاد دهند بارتکاب
 بعضی منکرات و اطهار بعضی شایع که با شرفهای
 بی دین را عار و ناموس داران کنار را استنکار
 باشد و مع هذا اهتای در جلوگیری از جهال نشود
 انشاء الله حامیان با شرف اسلام که مبسوط الید اند در
 جلوگیری از هتك ناموس شرع امهال نخواهند کرد
 (هیئت علمیه نجف اشرف)

جبل المتین

هیئت مقدس علمیه نجف اشرف که بیشتر اعصای
 محرمش از طراز دوم علما جلیل و مجتهدین بزرگ اند
 خدمات شان در راه ترقی اسلام و برقراری
 مشروطیت اطهر من الشمس و چندان لازم بیان ما
 نیست، مصاح این موالیان علاوه بر اهمیت خاصه که
 دارد در من واقع از طرف مقام ریاست روحانی
 اسلام و اطاعتش فرض و متحتم است، چه قدر مرید
 مسرت ما شده است ~~که~~ این هیئت مقدسه جدا
 در عود اتحاد اولیه مسلمانان سعی گویا بپرق اتحاد
 اسلامیان را بدست مبارک خود گرفته‌اند چون این
 موالیان هادیان دین ما میباشند امیدواریم عامه مسلمانان
 که پیرو آنانند اقتدا بآن ذوات خواهند نمود

ما از هیئت مقدسه علمیه دو استدعا مینمایم اول
 آنکه عنوان اتحاد اسلام را جدی تعقیب فرمایند
 و برای تأیید همه قسم نامه جبل المتین هم موجود است
 دوم بدقت در دوائی اختلاف سور و تأمل
 فرموده عقیده نه زیاناً در رفع آن بکوشند، امروز
 قوه اجتهاد خیلی بهتر از عمر بن عبدالعزیز خدمت
 باسلام تواند نمود و ما عقیده و معلومات خودمان را
 درین موضوع خاص که يك قرن است در دماغ خرد
 بچته ایم بذرایع مناسب به هیئت مقدسه علمیه و
 سایر مراکز مهمه تقدیم خواهیم نمود

مکتوب از بغداد

میتوان گفت از بعد قرون اولیه اسلام که کواکب سعادت و ترقی اسلامیان را عروجی ما فوق تصور نمایان بود مسلمانان را مانند این دوره جوش اتحاد و انفاق بسر نیفتاده بود و این جوش اتحاد اسلامیان نیست مگر نمره مشروطیت که زائیده افکار حضرات آیات الله نجف اشرف و حواریان عبور با اطلاع عالم عنانی

چهارم شعبان در (کلوب) عالی اتحاد و ترقی، انجمن اخوت ایرانیان بغداد مدعو، و از طرف انجمن اخوت خطابه ذیل قرائت شد، و این خطابه چنان مؤثر افتاد که غالب حضار را وقت دست داد

خطابه است که از طرف انجمن

(اخوت ایرانیان بغداد)

(در کلوب عالی اتحاد و ترقی عنانی)

(چهارم شعبان قرائت شد)

(بسم الله الرحمن الرحيم)

الحمد لله الذي جعل الانحسار سبيلاً الى الترقى والتقى نتيجة للاتحاد والصلوة والسلام على محمد وآله الاجساد وصحبه الابرار و بعد

جامعه اسلاميه رابطه ربانيت درميان افراد مسلمين كه تمام مسلمانان را با وجود اختلافات صوري ولفظي بهمديگر بسته وبموجب (صريح المؤمنين اخوة و اخوانكم في الدين و مواليتكم) همكنان را نام برادر و برابر خوانده وبموجب (واعتصموا بحبل الله حياً و لا تفرقوا) امر به تمسك بحبل الله دين مدين اسلام و نهي از تفرق وفاق و شقاق فرموده و بنص (ولا تنازعوا فتشعلوا و يذهب ريحكم) تمام مسلمانان را از منازعه باهم نهي فرموده و منازعه را مایه فتنه و فتنه را سبب سلب اعتبار عموم اسلام مقرر فرموده در وصف مؤمنين ميفرمايد (رحماء بينهم اشداء على الكفار) يعني مسلمانان برهمديگر مهربان ميشوند و بر كفار سخت و عليم ميشوند آه و اسنا كه فعلاً كار مسلمانان برعكس ما ازل الله شده (رحماء على الكفار اشداء بينهم) كشته اند. خداوند نهييت مسلم را بر مسلم حرام و بمنزله خوردن گوشت بدن برادر ميت خود قرار داده . . . در حال سلب بهمديگر كه مسلمانان به منازعه و مقاتله و محاربه

بهم برخواسته و روز بروز دين اسلامي را كه بموجب (ان الدين عند الله الاسلام) مرضي خداوند احديت است هدف تير نفاق و شقاق مينمايند و بيه سيف اسلام را هم با پيال هوا و هوس خود ميكند، البته بهتر ميديايد كه ساداً حدود ممالك اسلام از كجا تا كجا بود و الان چه باقي مانده است. ممالك اسلاميه سابقه را اگر بيست حصه فرض فرمايد بوزنه حصه اش بتصرف كنار رفته ويك حصه از بيست حصه در تحت حكومت اسلاميه ماقبست آنها ما چه تزلزل، كو ممالك وسيله اندلس كه دولت ناطقيه چهار صد و پنجاه سال در آنجا سلطنت داشت، و تمام اهالي مسلمان بودند مساجد و معابد و مراعات و مقابر مسلمين و كتب خانه و آثار غريبه اسلاميه چه شد كه امروز يكسفر مسلمان در تمام آن مملكت وسيله وجود ندارد و تمام در تصرف دولت اسپانيا موجود و حسرت گاه مسلمانان است، قدری دیده باز نمائيد ممالك اسلاميه افريقيه چه شد، كو مصر، كو نوبه، كو حبش، كو تونس، كو الجزاير، كو فاس، قدری بيشتر توجه فرمائيد كو سلطنتهاي اسلامي مملكت وسيله هندوستان، كو آن سلاطين اسلامي كه عددشان به هيجده سلطنت ميرسيد كو آن سلاطين، كو آن پايتخت هاي اسلاميه، كو آن اراضي اسلام، نوامان و شاهزادگان هندی كه در ثنات موحد و ار سلطنت مخلوع و محروم و حيره خوار كارد از وقايع آن قطعه اسلاميه بيكو تلامني است

(خدایا سينه ده آتش افروز)

(در آن سينه دل و آندل همه سور)

شاهي اسلامي هندوستان را بشايد، مملكت سند و اماستان و بلوچستان و سقط را ملاحظه فرمائيد، كه چگونه اگش گردان دول مسيحيه است و از حكومت اسلامي در آنجا بجز اسي باقي است، در وقت را بطرف تركستان متوجه سازيد و به بيند كه سلطنتهاي اسلامي آن ثلث چه شد و كجا رفت، بخارا و سمرقند، كاشغر و كاشغر، تاشكند و مرو و خيوه را چه روي داده كه صدای ماوس بر آوار موزن غلبه نموده است و عوض شريه محمدي ذاكون مصراي دركار است، كو اسلاميت شهر نازان حامي ترخان و دانستان و حكومت

قتلایه جامع اسلام و یا نه ، خواب بود که میدیدیم ؟
 دولتهای رومانی و صربستان و یونان و حکومتهای
 قره طاع و بلغار هشتاد سال پیش از این که مملکت
 اسلام بود از کجا احداث شد ، مسلمانهای اینها بکجا
 رفت ، جزیره های قبریس که مملکت اسلام بود چه
 شد ، که بتصرف انگلیس در گذشت ، جبل لبنان
 چرا ولایت ممتازه شد ، بیت المقدس چرا در تحت
 نفوذ صاری بر آمد ، قنال سویس چرا ملک طلق
 اروپاییها شد ؟ در طورسیا چرا ادبای حق شفه
 نمودند ، عدن را از برای چه و به چه نحو بتصرف
 آوردند بحرین و لحار را چرا تسخیر ساختند با مبارک
 صباح چرا طرح محبت و حیدیه انداختند ، و (فاو) را
 چرا به جنم مالکیت دیدند ، به بندر بوشهر و شیراز
 چرا بدون اجازه صاحبش سوق عسکر میکنند ، به
 مشهد امام رضا علیه السلام چرا قشون کفار وارد
 شدند ، و به تبریز و قزوین چرا اردو زدند ، مشه
 کرید و یونان چرا بحدی جانسوز شده که زمان
 یارای تقریر ندارد ، در حرم خدا کفار چرا بخلاف
 شرع اسلام داخل شده و در حده دکاکن و مغایر
 باز نموده و نشسته اند و از هر گونه اعتراضات
 مصون اند .

علت و سبب تمام این وقایع و فجایع چه
 شده والله نعان - بالله تفرقه - بالله عدم
 اتحاد - اللهم الهم بن قلوبهم واحصلهم علی اخوانهم رؤفا
 ای برادران دین - ای اخوان یقین - ملتفت باشید -
 اگر کسی بسبب ایره سرمایه داشته باشد و مشغول
 گس شود و متدرجاً بوزده لیره آن سرمایه به
 خسارت تلف شود عقل حکم میکند که باید از این
 کس دست بکشد یا طریقه مستقیمی بگیرد .

ما مسلمانان ما حالت نعان و شعان و تفرق خورد ،
 جزء نمائیم اسلامیة خود را ، باد ما داده ایم وطن
 غالب بر حسب عقل ایست که ما این رفتار ما این
 یک جزء ما هم خواهد رفت و از حکومت اسلامیة
 و سلطت محمدیه اسی و رسی نخواهد ماند ، آیا
 ما ما مسلمانان باید بحدک خارکی و برادر کشی برداخته
 و از دست دین خدا و شریعت محمدیه صرف دگر
 بایم ان تندر والله بتحرک و بیعت اقدامکم ، نصرت
 دین خدا امروز متوقف است بر اتحاد تمام مسلمین و
 ایثار خلاف در میان مسلمین در فرار از جهاد است

حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه و سلم
 که کتاب خدا را در میان شما امانت گذاشته و حفظ
 او را از شما خواسته منتهای باطنی او اینست که دین
 اسلام و شریعت محمدیه و عتره طاهره دست شما
 امانت سپرده شده که بدآید بدست طبقات و اخلاف
 شما خواهد رسید ، هر طبقه در هر زمانی بر حفظ
 شؤون این ودایع مکالتند و از خدمت وارده بر آنها مسؤلتند
 حال دقت فرمایید ما معاشر مسلمین آیا از
 محافظه این یک جزو و دیده که از بیعت جزو بدآ
 یید از معاشر ماضین مسلمین با رسیده مسؤلیم یا نه ؟
 بر محافظه او مکالم یاخیر ؟ والله مسؤلیم ، بالله مکالم ،
 پس بیاید تحقیق نمائیم که سبب محو شدن سلطت های
 اسلامیة و ش در دادن فرق مسلمین به تبعیت کفار
 چه بوده است ، چون کتب تواریخ اسلام را نیک
 نظر کنیم خواهیم یافت که اختلاف خانه بر انداز
 فرق مسلمین وعدم اتحاد دول اسلامیة سبب واقعی
 این وقایع ناگوار و ناپسند بوده است که کار اسلام
 را باجبار رسانیده ، پس ما معاشرین اسلام راست که
 امروز بر خلاف حرکات سابق رفتار نموده و این
 قید السبب را حمایت و نصرت بایم ، اختلاف فرق
 اسلام را از میان برداریم ، و سلطتهای مستقلة
 موجوده را که منحصر بدولتین علیتین اسلامیة
 عمان و ایران است حداً با اتحاد و مودت دعوت
 بایم . و دین مبسوط اسلام را بر تمام نمائیم اسلامیة
 حاکم مطلق و فرمانفرمای برحق بایم ، و در اتحاد
 تمام حکومتهای اسلامیة را وجود واحد فرض کنیم
 بطوری که اگر در اقصای خراسان یکو جب از خاک
 ایران به تصرف روس رفت تماماً بصدا در آیم که
 از مملکت اسلام کاسته و بر مملکت کافر افزوده ، و
 اگر یکو جب از جزیره کرید را بمعاومت دول
 اوروپ یونان متصرف شد ، قاطبة صدای وا اسلاما
 هلك رسایم که حقوق اسلام باعال شد ملک اسلام
 به صرف عاصبانه کفار رفت .

تا کی آخر چو بپشته سر علت در پیش
 حید باشد که تو در خواب وز گس بیدار
 تا کی ما مسلمانان در خواب غفلت ننوده و
 باشغاک اسلام مشغول باشیم ، و کفزار خورد
 خورد یواش یواش شوی شوی بتصرف خود دید
 آوردند و دین اسلام را خوار و ذلیل نمایند ، یا

حیف یا حیف! ای برادران اختلاف و تار و تار
 را از میان خودتان بردارید چنان بشوید که خدا
 از شما خواسته غیرت اسلامی بخرج بدهید، مدافعه
 کفر بر هر چه متوقف است او را تحصیل نباید،
 مسئله از شما مسلمین می پرسد، شکی نیست در
 اینکه وقتیکه در میان شما مسلمانان اختلاف و تار پیدا
 شد کفار که دشمن خدا و رسوله خوشنود و
 سرور میشوند و ارواح مقدسه رسول خدا و
 ائمه هدی محزون میگرددند، و بالعکس هنگامیکه
 شما باهمدیگر مهربان و ووف و باهم متحد باشید
 کفار محزون و اولیای دین اسلام سرور میشوند.
 آیا بکجای اسلام و مسلمانی شایسته است که ما
 کاری در پیش بگیریم که خدا را بنضب بیاورد و
 رسول خدا و ائمه هدی را محزون و کفار و
 دشمنان خدا را سرور و شادکام نماید، تمام آیات و
 اخبار اخوت و مودت و عمومیت خطابات قرآنی و
 احکام حجت و صلوة و جماعه و جهاد و اطاعة خدا
 و رسول و اولوالامر همه از برای اینست که تمام
 افراد اسلام متحد المقصود باشند، و اصل تمام مقاصد
 حفظ بیضه اسلام است و حفظ بیضه اسلام بر تمام
 افراد مسلمین کل بحسبه واجب، و اتحاد که مقدمه
 حفظ بیضه اسلامست من باب مقدمه الواجب واجب
 است، پس امروز اتحاد بر تمام مسلمانها مثل نماز و
 روزه واجب است و ملتفت باشید که اولیای دین
 از برای مدافعه منّا امیر و منکم امیر، که بوی تفرقه
 اختلاف در میان اسلام از این کلام می آمد چه قدر
 صدمات را متحمل شدند تا اسلام از صدمه اختلاف
 و تفرق محفوظ بماند، ای معاشر مسلمین، ای برادران
 دین اتحاد کنید دست برادری باهم بدهید تا از
 شر کفار دین شما محفوظ بماند، وگرنه عنقریب ست
 که کنار بر این بقیده السیف هم بتازد و ممالک شما را
 هم بحال اندلس و غیره بپندازد، علاج واقعه قبل از
 وقوع باید کرد، روزیکه کار از کار گذشت ندامت
 مفید نباشد، و خیال فرمایید و بخار خطور ندهید که
 (جائیکه عقاب بر بریزد)
 (از پشه لاغری چو خیزد)
 این جمعیت کوچک ما در این گوشه دنیا از
 حصول اتحاد چه نتیجه خواهد گرفت که کلمه حق
 سعادت را در جهان بپاشد، اما اگر (ما کلان نماند)

سیصد و پنجاه میلیون نفوس اسلام مرکب است از
 فرد فرد مسلمانان اگر هر فردی خود را معذور
 دارد تمام اسلام از پای در آید و کفار بر اس
 مقصود شان که محو اسلام است سوار شوند، در
 مسئله اتحاد احدی از مکلفین اسلام معذور نیست
 و البته معلوم حضرات عالی هست که ملت بدون
 سلطنت در معرض محو و اضمحلال است
 چنانکه دین و شریعت بدون امت و ملت رواج
 نگیرد، پس رواج شریعت و دین سلطنت لازم دارد.
 چنانکه خداوند احدیت بعد از ذکر ارسال رسل
 و ازال کتب و میزان بدون فاصله میفرماید (واقرنا
 الحدید فیه بأس شدید و منافع انتاس) و چنانکه
 حضرت رسول اکرم میفرماید که «انا مبعوث
 بالسیف» و چنانکه مشهور است که هر دینی که
 مربوط بدولتی نیست در معرض زوال است، مثل
 یهود و ارمی و غیره که روز بروز درکار محو شدن
 هستند چرا که حامی سیاسی ندارند، پس بر تمام ملت
 اسلام بعد از تحصیل اتحاد و رفع اختلاف صوری
 دولتهن علیتین اسلامیتین را با اتحاد دعوت نمایند و در
 منافع و مضاری که بر اسلام و مسلمین وارد آید
 شریک و سهیم نمایند و معاهداتی که در از منته
 استبداد باهم نموده لغو کرده و معاهده اسلامیة
 شرعیة اتحادیه باهم بسته و مبادله نمایند تا افراد
 مسلمین در سایه این معاهده ملی اسلامی از تجاوزات
 و تعدیات برهمدیگر محفوظ مانند پادشاهان اروپا
 با آن اتحاد معنوی و معاهده مسیحی که باهم دارند
 باز علی الاتصال از همدیگر دختر می گیرند و دختر
 می گیرند و دختر میدهند تا رشتة اتحاد محکمتر باشد،
 چنانکه معلوم تمام عالمان هست که با اینکه پادشاهان
 اروپا باهم تقابیر مذهبی در کمال سختی دارند مار
 تمام شان باهم بواسطه مراوجت و مناحک خویش
 قوم شده و عشیره واحده محسوبند، چه میشود که
 سلاطین و نامداران اسلام هم همس و تار را پیش
 گرفته و بعد از قرنی عشیره واحده محسوب باشند
 و اسلام و اسلامیان را هدف تیر اعراض شخصیات
 نموده و بر کنار بفرمایند که اسلام ملة واحده است
 (بعضهم یشد بعضاً) که که توحید و امت امت محمدی
 و سلطنت سلطنت اسلامی است، اگر در مملکت
 ما بر مسلمی تعدی شود بر تمام مسلمین شده،

«مقاله ایست که از طرف ژن برسان»
(ب اداره رسیده)

«هم مسلک محترم»

تبریک میگوئیم ما فرقه زن برسان بموم ابناء
ایران در اعاده حقوق حقه و مقاصد مقدسشان
بشارت میدهیم به ترقی طلبان مملکت خود از
برای حصول و ارساء مملکت بمدارج عالیه تمدن
اطمینان میدهیم به فرقه رعایا و مظلومین و
زبردستان ایران باینکه تشکیک یافته هیئت برای
دادخواهی مظلومین و ایستادگی از برای حقوق آنها
ای ابناء ایران گمان نکنید که ایران یکدفعه
از گرداب های هولناک جهل و نادان بساحل
سلامت و معرفت رسید، خیال نکنید که ملت ایران
تالی ملل متمدنه عالم گردید

تا آن زمانیکه اهالی ایران و پرورش یافته گان
این آب و خاک عالم نشدند و بمحقوق طیبی خود پی
نبردند نباید فارغ البال و آسوده خواطر بود
(بکشید در ترویج معارف عمومی)
(ای ابناء ایرانی)

تا ما ایراسیا اخلاق موهومه چندین هزار ساله
را کنار نگذاریم، تا ما عقاید و خرافات کهنه
پرستی را بیکسو نسیم، تا پیروی از ترتیب تمدن
جدید نکنیم، تا از روی دستورالعمل ملل حیه
رفقار نیام، تا در بیداری اهالی مملکت خود و
عالم نمودن ابناء خود موافق نظام نامهای معارف
اروپا اقدام نکنیم، بداید در دریای مذات و بدبختی
ابدالدهر شو ظهور خواهیم بود

(بکشید در ترویج معارف عمومی)
(ای ابناء ایران)

کیانند که این مملکت را از مخاطرات سیاسی
برهاند، چه کسانی هستند که این ملت را بیدار و
هوشیار سازند، چه طایفه هستند که این خرابه عالم
و ویرانی آسیا را آباد سازند، چه اشخاصی هستند
که علت بناء استقلال این مملکت و برقراری قومیت
وملیت وحریت و برابری در این ملت شوند؟

آن هیئت گلهای نورس ایرانند، آن اشخاص
کسانی هستند که هنوز مغز آنها طادی به شرب
شراب و سکنپاک و استعمال چرس و تریاک نشده
کسانی هستند که هنوز عقاید کهنه پرستی و خرافات
موهومی در مغز آنها جایگزین نگردیده، طایفه

اگر يك مقال خاك از جزیره (کرید) حمل آینه
بشود حقوق اسلام پامال شده، نمرات مظالم و
سخوت و اتحاد بالاتر از آنست ~~که~~ به تقریر و
تحریر آید، اگر چوب خیل باریکی که طفل ششماه
رشکتن او قادر باشد بیست عدد روی هم گذارده
و باریسانی مربوط شود بهلوانان قوی بجه ازشکتن
آنها عاجز کردند و این قوه از برکت اتحاد است
ای معاصر مسلمین، ای برادران دین، بقای وجود
هر چیزی دو قوه لازم دارد، یکی قوه دافعه که
رفع نماید صدمات خارجی را، و یکی قوه مسلکه که
قوه موجوده را نگاهمداری نماید، اینک اسلام وبقای
شوکت اسلام دو چیز و دو قوه لازم دارد، یکی
قوه دافعه که صدمات کنار را دفع نماید و آن اتحاد
است و بدون اتحاد صدمات خارجی منافع نکردد،
و یکی قوه مسلکه است و آن عبارت است از امر
معارف وعلوم و صنایع در ملت و ممالک اسلامی که
قوه موجوده را نگاهمداری میکنند و بر قوه موجوده
زفه رفته می افزاید، و اسلام و مسلمین را از ذل
احتیاج مستخلص گرداند، و ثروت اسلام را از تحویل
به مملکت کفار مانع گردد، و افراد مسلمانان را
از فقر و فاقه و تثبیت بامور ناپسند باز دارد،
در واقع نفس الامر وقوع این اختلافات و
منازعات نتیجه جهل است که در ملت ما موجود
است، اگر این جهل مرفوع شود ناچار منازعات
از میانه برخواسته و اتحاد و برادری شایع و نتیجه
آن که ترقی دین اسلام است مشهود خواهد شد،
[فعلیکم بتعلیم الاولاد و تادیبهم - قال الامام - لا تقصروا
اولادکم علی آدابکم فاتهم فی زمان غیر زمانکم]
روزگار اولاد شما يك روزگاری خواهد بود ~~که~~
هرکس علم ندارد سواد ندارد مجبوراً در معادن و
طرق و شوارع به حالکی و فلهگی باز خواهند
داشت، پیش از وقت به اولاد خودتان رحم کنید
و آنها را دست بسته مجبور به حالکی سازید و
سینه آنها را از علم و معرفت خالی نگذارید و
خود را مورد لعن و طعن آنان نسازید، هرکس اولاد
ندارد يك طفل پندمی را متکفل مصرف تعلیم گردد
تا در روزگار آینده از او یادگار ماند

والسلام علیکم ورحمته الله و برکاته

هستند که هنوز بی‌شرفی و وطن‌فروشی و بی‌ناموسی در صروف و شراین آنها نمود پیدا نکرده، فرقه هستند که زندگانی و آسودگی خود را در آسودگی ملت قرار داده اند.

نام این هیئت و اشخاص و این طایفه چیست؟ (ژن برسان)

در کجا هستند، این هیئت تشکیل یافته؟ مجمع آنان در مرکز طهران -

مسئولان چیست؟ عملاً قریب مسلك و پروگرام خود را منتشر خواهند ساخت و روزنامه مخصوص دائر خواهند کرد، نماینده تمام نقاط خواهند فرستاد این بگویند ای دور افتادگان از مرکز در نشر عقاید و نیات مقدسه این هیئت و مربوط - ازید خود را باین طایفه و منتظر باشید که بزودی زود بزود شما خواهد آمد (ژن برسان)

(۱۳ شهر رجب المرجب ۱۳۲۷)

ترتیب

تاریخ گزیده فریدون ملک ترجمه حال شارل اول پادشاه انگلستان و انقلاب آن سامان و شرح بعضی واقعات مهمه آن دوره و بهترین تازیانه ملی برای ایرانیان شناخته می‌شود ریخته خامه جناب اجل میرزا فریدون خان منتظم السلطه گرامی‌فرزند او اس بیدار کننده ملت و محسن حقیقی ایرانیان مرحوم براس ملک خان که نام نامیشان در صفحات حریت‌ایران زینت بخش لوحه تاریخ است، و الحقی بهترین کتابیست که درین دوره و ماده بطبع رسیده از ملاحظه این کتاب (حاتی رفت که محراب فریاد آمد) و یقین کردیم که الحمد لله جایگاه آن مرحوم خالی نیست، و مصداق همین گفته است (اگر بدر نتواند پسر تمام کند)

بهترین معرف این کتاب دیباچه مختصری است که خود مصنف نگاشته و ما ذیلاً درج می‌نمایم این کتاب دارای ۳۰۸ صفحه و سی‌وسه تصاویر تاریخی عمده و با عبارتی بسیار شیرین و ساده سهل ممتنع نگاشته آمده با کاشد و حروف بسیار اعلی و جلدی خیلی نفیس بطبع وزیری کوچک، در حسن ترتیب این کتاب همین قدر میگوئیم که تا کنون در فارسی کتاب باین مناسزی و با سلیقه‌ی بطبع کمتر رسیده است

جناب مستطاب فاضل یگانه و حکیم فرزانه دوکتور

نمایند که بوطن عزیز خود نموده پیش از آن است که ما بیان نمایم معاون قلمی این کتاب مستطاب اند و ما از معظم ایها درین زحمتی که نفس راحع بملت است از صمیم قلب اظهار تشکر می‌نمایم

نقل از دیباچه تاریخ گزیده فریدون ملک

مقصود از این کتاب آن است درین ایام که سر نوشت و اوضاع وطن عزیز ما در نرازوی روزگار متزلزل است بعضی از مطالب تاریخی را که برای هموطنان خالی از فائده نیست ذکر نموده و چون بدقت این کتاب را بخوانند بلاشک از شباهت وقایعی که سابقاً در ممالک انگلیس روی داده است با وقایعی که فعلاً در وطن عزیز ما برصه ظهور می‌رسند تا حدی عبرت گرفته و می‌بینند در نیمه قرن هفدهم میلادی پادشاهی موسوم بشارل دارای تخت و تاج انگلستان و این پادشاه پسر خوب شوهر خوب و پدر خوبی بوده ولی از بدبختی ضعف نفس و جنون او را بر آن وا داشت که اسبابکار و بازیچه دست مصلحتجویان بدذاتی واقع شد که فقط نفه شخصی خود را طالب بوده و نینداستند یا نمیخواستند بدانند که چایلوسی و تملق جزء خیانت محسوب شده و چیزی را که مزنی شان و مقام سلطنت بوده و بشرف او بر خورد داشت از او پنهان کرده و بعین مانند آنکه صدمه بجاش زند این خیانت کبری را در باره وی معمول داشته و او را بکشکها و زد و خورد های بد عاقبتی کشانیدند که نتیجه آن را همه کس میداند.

وقتی که در مملکت ما مجدداً بخواست ملت (کنستیتوسیون) برقرار شود نه فقط منتخبین ملی باید درستکار بوده و نفه شخصی خود را تصدق نه افع عمومی و وطن بکنند بلکه علاوه بر این باید عالم باوصاع و اخلاق بوده ترتیبات و تاریخ سایر ملل را تا حدی دانسته و مختصراً دارای بصیرت و اطلاع باشند والا پیشرفت امور مجلس نا مقدور بلکه تا حدی ممکن است اسباب انتشار امنیت و نظم و محفل آزادی و استقلال وطن شده. در هر حال این مختصر کتاب را که مانند قطره در جنب دریا است برای هموطنان عزیز خود نگاشته و امیدوارم که بتدریج دلی از آن فائده بدست آمده هم برای وطن و هم برای پادشاهم بکار خورده خدمتی کرده باشم

باید تأمل نمود

(يك از رموز دانان می نویسد)

بهترین شکل از اشکال دولتی امروز در ایران پیش آمده است اگر خدا نخواست از این شکل استفاده نکنیم مورد ملامت تمام ملل روی زمین خواهیم شد. باید بدانیم که فرجیخ این شکل دولت عشق وطن پرستی است اگر بدقت متوجه احوال ایران باشیم مشاهده میکنیم که این عشق باید در هوطنان ما باشد، خلاصه امروز تا قوی در دست ملت و مرکز قوای مزبور دستکاه مشروطه، و چرخ دستکاه هم قوه مقننه است که اگر در تشکیل این قوه دقت شود لابد اعضاء قوه مجریه هم خوب تشکیل خواهند شد، اگر در تشکیل قوه مقننه دقت شود چون این دفعه تعیین نایب السلطنه (که رئیس قوه مجریه میباشد) با مجلس مقدس است به مختصر غرض میتواند تمام زحمات را ضایع نماید امروز کمتر کسی باندازه آقای عضدالملک شایسته نایب السلطنگی است - بر فرض ایشان هم نخواست که متحمل این زحمت باشند بکنفر مثل ایشان را باید تعیین نمود، اگر خدا نکرده از شاعران بزرگ (چنانکه جلالتین نکاشته) روی کار بیایند باید چراغی برداشته بی کف دوز سابق بگردیم - باید وجود محترم آقای عضدالملک را مقتم شمرده مانع پیشرفت اغراض آن چند نفر شاهزادگان که شب و روز کار خواهند کرد و مایه خواهند گذاشت شد، اگر از نقطه نظر دشمنان خارجه و داخله بآتیه توجه نمایم فوراً ملتفت می شویم که مغرضین بعد از این سعی خواهند کرد که در شهرها و درمیان عشاق مخصوصاً اسباب هرج و مرج فراهم نمایند و چون از این قهره مأیوس شدند جد و جهد خواهند نمود که عقائد عوام را سبت باعضاء مجلس سست نمایند و هرج و مرج فراهم کرده مجلس را منفصل کنند تا اینکه باین ترتیب در اشخاب بعد از انفصال دهه کثیری از طرفداران خودشان بعنوان وکالت داخل مجلس نموده آنوقت دست بسیار قوی در تخریب خیرخواهان ملت عموماً و در تعیین نایب السلطنه خصوصاً موافق سلیقه خود شان در مجلس پیدا نمایند، به عقیده بنده باید سعی بکنیم که بعد از این عنوان استبداد از میان رود

و رفع جنگ خانگی بشود، در این باب پیشتر از همه ارباب جراید و ناطقین می توانند همراهی نمایند و این نکته را هم عرض کنم که عده مستبدین طبعی در ایران خیلی کم است ولی عده کسانی که از مأیوسی بخط استبداد افتاده و اصرار در آن خط می نمایند زیاد است، اما باید فهمید که علت آن چیست؟ با کمال تأسف عرض میکنیم که علت آن يك جوی از اشخاص محترم و غیر محترم هستند که در واقع خودشان مسلکی بجز جلب منفعت شخصی ندارند و در مملکت هر مسلکی را که رایج به پتند فوراً خودشانرا بآن مسلک چسبانیده و بانواع و اقسام شعبده بازی متعرض مردم و وادار باستبداد می نمایند و چون در مملکت ما هنوز علم آندرجه قوت ندارد اغراض شعبده بازها خوب از پیش میرود و همه مقدور نیستند که از طریق علمی خودشان را مدافعه نمایند، و اگر تاریخ این سه سال آخر را ملاحظه نماید فوراً معاینه خواهید فرمود که این وضع مکرر دیده شده است.

بهر حال همیشه چشم مشروطه خواهان بعد از خرابی مجلس بوجود چند نفر از درباریان خائبن و ظالم روش بود، و مشروطه خواهان یقین داشتند که مقصود آنها مخصوصاً بواسطه تعدی و ظلم آن چند نفر خائبن روز بروز قوت خواهد یافت، اینکاش چشم همان خائبن ظالم درباری بوجود پاره اشخاصیکه ظاهراً لباس مشروطه را پوشیده و فریاد وطن پرستی آنها بجهت فریب عوام باسنان خواهد رسید و باطناً توبره رذالت بگردن آویخته بخانه های این و آن رفته به تهدید و بانواع و اقسام عنوانات جلب منفعت شخصی خودشانرا خواهند کرد روش نباشد، بی در اغلب ممالک این ترتیبات تا بک اندازه هست ولی نه بطور سختی والوادی، و اگر مطالعه فرمائید اوضاع گذشته را ملاحظه خواهید نمود که علاوه بر حرکات درباریان عده کثیری از مردم باین جهات رنجش پیدا کرده و استبداد قوت گرفته بود بعد از تشکیل مجلس فوراً باید باصلاح ادارات مخصوصاً ادارات مالیه و جنگ پرداخت، و اگر اقدام نکنند و برای اصلاحات جداً کار نمایند و نقشه صحیحی نداشته باشند اسباب مأیوسی داخل و خارجه فراهم خواهد آمد